



فهرست مطالب

- ۲..... در حاشیه حمله وحشیانه به کارگران هبکو اراک
- ۳..... دختر آبی پوش، حاکمیت مستبد و تاجران سیاسی
- ۴..... ضربه ای مهلک بر بزرگترین تاسیسات نفتی عربستان، کاری بزرگ از گروهی کوچک
- ۶..... «به ما دروغ نگوئید و پایمان را دوباره به یک جنگ دیگر نه کشید!»
- ۷..... یادی از رفیق «منصور مختاری»، عضو کمیته مرکزی
- ۸..... برگی در تاریخ یادی از رفیق دکتر تقی ارانی
- ۹..... احکام ضدانسانی و سنگین به جرم حق طلبی را قویاً محکوم می کنیم
- ۱۰..... در جبهه نبرد طبقاتی
- ۱۷..... نامه‌ی چهار نفره از بند نسوان زندان اوین
- ۱۸..... برگی در تاریخ (به مناسبت هشتادمین سالگرد جنگ جهانی دوم و پیروزی بر ارتش نازیسم)
- ۱۹..... «شما به ما خیانت می کنید!»
- ۲۰..... اخراج امینه کاکاباوه از «حزب چپ سوئد» اقدامی صحیح علیه اسلام‌هراسی و راسیسم
- ۲۲..... یاد رفیق «توخی» گرامی باد!
- ۲۳..... به مناسبت سی و یکمین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی
- ۲۴..... یادداشت‌های اوین
- ۲۵..... به یاد همه جوانان اعدامی در بجنورد!
- ۲۷..... گشت و گذاری در فیسبوک پاسخ به یک پرسش
- ۲۸..... رفیق عثمان درگذشت
- ۲۹..... پرسش و پاسخ در شبکه تلگرام



در حاشیه حمله وحشیانه به کارگران هیکو اراک

کارگران هیکو اراک روز دوشنبه در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان مسیر راه آهن شمال - جنوب را بستند. این کارگران به «خصوصی سازی» کارخانه و همینطور عدم دریافت حقوق معترض اند و رژیم سرمایه پاسخ ندای حق طلبانه کارگران را با ضرب و شتم و سرکوب داده و شماری را مجروح و قریب به ۱۷ نفر را بازداشت کرده است.

هیکو در سال ۱۳۵۱ در زمینی به وسعت ۹۰ هکتار با هدف مونتاژ ماشین آلات راه سازی در اراک توسط خانواده رضایی تأسیس شد و از سال ۱۳۵۴ شروع به فعالیت کرد. پس از انقلاب سال ۵۷ این شرکت توسط انقلابیون مصادره شد. و خانواده رضایی مجبور به ترک ایران شدند.

قابل ذکر است که شرکت هیکو در شرایط پیشرفت تولیدی و رضایت نسبی کارگران و کارمندان در سال ۱۳۸۵ بدنبال سیاست های نئولیبرالی اصل ۴۴ با قیمتی بالغ بر ۷۴۰ میلیارد ریال به بخش خصوصی واگذار شد و سرمایه گذار جدید فعالیت خود را از سال ۱۳۸۶ آغاز کرد. مشکلات این واحد تولیدی یکسال بعد از خصوصی سازی و فروش ماشین آلات تولیدی آغاز شد، اما به دلیل مشکلات در واردات قطعات اولیه نمود چندانی نداشت تا اینکه از سال ۱۳۹۲ چالش های این واحد تولید نمایان شد. در سال ۱۳۹۶ به دلیل کمبود سرمایه در گردش و نبود سفارشات کافی و همچنین ناتوانی در واردات مواد اولیه شرکت نتوانست به شرایط گذشته برگردد و به همین دلیل اردیبهشت ماه سال ۹۷ این شرکت به سازمان خصوصی بازگردانده شد و در خرداد ماه همان سال نیز هیأت مدیره جدید از سوی سازمان خصوصی معرفی و فعالیت خود را آغاز کرد.

اگرچه با تغییر کادر مدیریتی شرکت هیکو کارگران این واحد تولیدی حقوق خود را دریافت می کردند، اما تولید مستمر تداوم نیافت و خردادماه امسال هم با انتصاب مدیرعامل هیکو به مدیرعاملی شرکت تراکتورسازی تبریز و جایگزین شدن مدیرعامل جدید، مشکلات شرکت بیشتر شد. اکنون چند سالی است که هیکو دچار بحران و مشکل مالی شده است و حتی ماه هاست که کارخانه تولید ندارد. کارگران به حق به تعطیلی کارخانه و عدم پرداخت معوقات مزدی خود و این سیاست خانمان برانداز نئولیبرالی معترض هستند و در مقابل آن دست به مقاومت زده و می زنند. اکنون دغدغه کارگران هیکو همانند کارگران نیشکر هفت تپه بیش از هر چیز واگذاری واحد تولیدی به دولت است تا بتوان با کنترل صحیح تر در جهت رونق تولید و حفظ کارخانه و نیروی کار گام برداشته شود. به گفته کارگران معترض هیکو با وجود اعمال تحریم ها و جلوگیری از واردات انواع فلزات به کشور، ظرفیت ساخت ماشین آلات ۱۰۰ درصد ایرانی در هیکو اراک وجود دارد. امروز کارگران شجاع هیکو اراک با صفتی متحد در مقابل این ظلم و زور ایستاده اند و برای حقوق حقه خود می رزمند. این رزم مشترک نیازمند به همبستگی عمیق تر و حمایت گسترده تر از سوی سایر کارگران سراسر ایران است، تا بتوان این بورژوازی هار را وادار به عقب نشینی نمایند!

اقدامات سرکوب گرانه و جنون آمیز ضد کارگری رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی علیه کارگرانی که برای مطالبات صنفی و معیشتی خود به میدان آمده اند، تماماً به نفع کلان سرمایه داران و امپریالیسم و صهیونیسم است و فرجامی جز شکست و خفت برای سردمداران دزد و فاسد حاکم ندارد. زنده باد کارگران هیکو اراک!

چاره کارگران آگاهی و تشکیلات است!

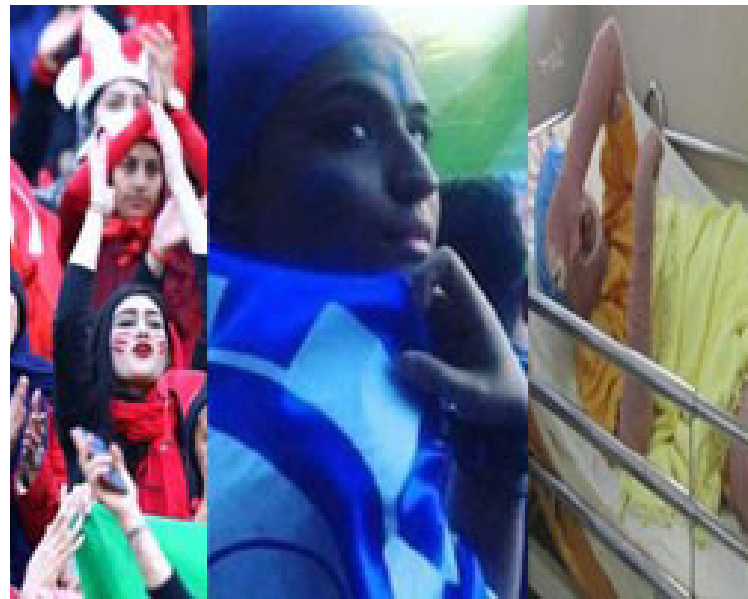
۲۶ شهریور ۹۸

دیگر افراد و دسته‌های کوچک به نام سازمان و حزب هم در همین حد است و سرانجام هم مردم را به جنبش‌های رنگ و وارنگ تشویق می‌کنند. متأسفانه هزینه حرکت‌های خودجوش را در جامعه دیکتاتور زده‌ای چون ایران، انسان‌های بی‌گناه و خانواده‌ها می‌پردازند.

واکنش این جناح، ریختن اشک تسماح و فحاشی برای خنک شدن دل‌هایشان بود. اینها هم مانند جمهوری اسلامی از خانواده داغ‌دیده سوء استفاده کردند و از قول خواهر دختر آبی پوش نوشتند که او دارای دو مدرک پایانی دانشگاهی بود و سابقه ناراحتی روحی داشته است. بعد هم از خود اضافه کردند که مسئله بیماری او در پرونده قضایی وی مطرح شده است. پس از این نقل قول زن‌هایی که تا به حال ندیده‌اید به نام موسسین سازمان زنان، مبارزان برای حقوق بشر... ظاهر شدند و هر کدام برای بازار خود مشتری بیشتری جمع کردند. ابزار کارشان هم تلویزیون‌های معلوم‌الحال خارج از کشور و کانال‌های اینترنتی بود. تا آنجا که رضا پهلوی او را با زیرکی «دختر فیروزه‌ای پوش» (که رنگ سلطنتی در دوران پدرش بود) جا زد. عجیب‌تر اینکه خوانندگانی که چند سال بود نفس هم نمی‌کشیدند، یک‌شبه شعر گفتند و آهنگ به بازار دادند!

این دسته همدستان استعمار در صدد جلب نظر «مخاطبان عادی» هستند. اینها تمام تلاش خود را می‌کنند تا از نقاط ضعف بسیار فراوانی که حاکمیت ایران دارد، حداکثر استفاده را به نفع خود و منافع سیاسی خود به‌برند. در واقع اینها حتی با اجازه مردم هم تجارت سیاسی می‌کنند و به نام جنبش و نافرمانی مدنی بساط تبلیغات خود را به راه می‌اندازند. ابزار کار این دسته، تلویزیون‌های خارج و پلتفرم‌های مختلف اینترنتی است. برای مثال از مردان دعوت کردند در ورزشگاه‌ها اعلام همبستگی کنند. جمعی هم واقعاً تحت‌تأثیر احساسات پاک، در ورزشگاه با دست زدن و خواندن «ما عین هم هستیم» و «یادت جاودان»... از او یاد کردند.

در اینجا ضرورتی نیست بیش از این دروغ‌های دو طرف را برشماریم. هدف فقط یک مقایسه اجمالی بود تا هر دو زاویه شباهت‌های عملکردی آنها را بیشتر برجسته سازیم. کمتر رسانه‌ای به زبان فارسی یافتیم که به مسئله افزایش جهانی خودکشی به‌پردازد و آنرا به مثابه یک معضل جهانی ببیند. طبق گزارش ۲۰۱۹ سازمان جهانی بهداشت، هر ۴۰ ثانیه یک انسان دست به خودکشی می‌زند که در سال به رقم ۸۰۰ هزار نفر در دنیا می‌رسد. براساس همین گزارش خودکشی بین جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله دومین عامل مرگ بعد از تصادفات است. آمار دولتی ایران حاکی از نرخ صعودی خودکشی بین سال‌های ۹۴ تا ۹۷ است. عوامل اجتماعی خودکشی متفاوت‌اند، وجود تفاوت‌های اقتصادی، فقر، تفاوت‌های فرهنگی، سن، جنسیت، عوامل تربیتی، آداب و سنن... کمبود و حتی نبود اقدامات پیشگیرانه یکی از نکات مهم است که سازمان جهانی بهداشت در گزارش خود، به آن پرداخت. در ایران تاکنون نه بطور



دختر آبی پوش، حاکمیت مستبد و تاجران سیاسی

این روزها در ایران هر اتفاقی می‌تواند به چالشی برای رژیم مبدل گردد. ماجرای دختری، که عاشق فوتبال و آرزویش رفتن به استادیوم ورزشی بود، با پایان دردناک خودسوزی‌اش به چالشی برعلیه رژیم و سیستم تبعیض جنسیتی بدل شد، به طوری که حتی مسئولان کشور نیز لب به سخن گشودند و به اظهار نظر پرداختند. برخورد مسئولان مثل همیشه متناقض، دوگانه و دوگانه بود. آنها که ظاهراً قوانین کشوری را قابل نقد و تغییر می‌دانستند، نظیر «معصومه ابتکار»، معاون امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، در همان روزها قوانینی مانند گواهینامه موتورسیکلت را دوباره وارد میدان کرد. او می‌گوید «اگر زانی تمایل و نیاز داشته باشند، باید بتوانند گواهینامه موتورسیکلت دریافت کنند و اگر هم در آیین‌نامه‌ای مشکل یا سیاست نانوشته‌ای داریم، امید است که برطرف شود». گروهی دیگر از مسئولان که خواست مردم را همواره نادیده گرفته و عیب و علت را در دشمن و در کسانی که با آنان همسویی فکری ندارند، می‌جویند، ابتدا کلاً منکر همه ماجرا شدند و بعد مصاحبه تلویزیونی با پدر داغدار دختر آبی پوش را تدارک دیدند و سعی کردند با زور و دروغ حرف خود را تبلیغ کنند. آن سوی قضیه گروه‌ها، فرقه‌ها و رسانه‌های وابسته و اتاق‌های فکری هستند که هدفمندانه کمبودها را برجسته می‌کنند و به دنبال هر حادثه‌ای سعی در ایجاد بلوا دارند و راهکارهای خود را به افکار عمومی تزریق می‌کنند، تا ذهنیت مردم حساس و موج کوتاهی از اعتراضات به راه افتد. رضا پهلوی با زبانی ساده همین روش را به عنوان روش مبارزاتی! خود بیان کرد و اظهار داشت از این طریق مردم را «به نافرمانی مدنی» می‌کشاند. تفکر



ضربه ای مهلک بر بزرگ‌ترین تاسیسات نفتی عربستان، کاری بزرگ از گروهی کوچک

بیش از دو هفته از نابودی «آرامکو»، بزرگترین تاسیسات نفتی عربستان سعودی، توسط گروه کوچک ولی مصمم به دفاع از کشور و مردم گذشته است. هنوز هم سعودی‌ها گیج و مبهوت‌اند و هم اربابان‌شان در نیویورک، لندن، پاریس و برلین. لابد سعودی‌ها با خود می‌اندیشند، صدها میلیارد هزینه کرده‌اند، همه نوع اسلحه زمینی، هوایی و زیردریایی خریدند که توسط آن از این تاسیسات حفاظت کنند. چگونه ممکن است گروهی با هزینه چند ده هزاری طی چند دقیقه تمام این ضد هوایی و ضد زمینی و ضد دریایی را دور به‌زند و چیزی نزدیک به پانصد میلیارد دلار به سعودی‌ها و سرمایه‌شان آسیب رسانند. نه کند غربی‌ها سرشان را کلاه گذاشته‌اند و به جای اسلحه‌های فوق مدرن، آهن پاره تحویل‌شان داده‌اند. آنوقت جواب مردم‌شان را چگونه بدهند؟ به که اعتماد کنند؟

نباید در این کوچک‌ترین تردیدی داشت که ضربه مبارزین یمن بر پیکر پوسیده متجاوزین وهابی، اقدامی تدافعی، مشروع و در چارچوب منشور سازمان ملل متحد و حق دفاع ملل تحت اشغال است.

انگشت اتهام را به سوی ایران نشانه می‌روند که از شدت درد این شکست به‌کاهند. جالب اینکه اپوزیسیون وطن‌فروش

جامع به شناخت عوامل پرداخته شده است و نه به راهبردها و راهکارها به درستی توجه شده است. نه بخاطر عدم وجود انسان‌های متخصص بلکه به خاطر عدم خواست سرمایه‌گذاری در این زمینه‌ها از سوی دولت. اینجا باید از مسئولان خواست که مسئولیت‌پذیر باشند و اقدام کنند.

طبیعی است که محدودیت‌ها و تبعیض جنسیتی و مشکلات زنان در ایران می‌تواند عامل تشدید یا به وجود آمدن بیماری‌های روحی باشد و هست. به همین دلیل نیاز به بررسی‌های علمی و پاسخ علمی مسئولانی داریم که همه جواب‌ها را در کتاب دعای خود می‌جویند!

جنیش زنان که سال‌هاست در صف اول مبارزات آزادی‌خواهانه ایران جایگاهی غیر قابل انکار یافته است، تحت حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی از روز اول با مجموعه‌ای از قوانین ارتجاعی مملو از تبعیضات جنسیتی و اجتماعی روبرو شد. زنانی که نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند، زیر حجمی غیر قابل تصور از نابرابری‌ها و محدودیت‌های اجتماعی کمر خم کردند، اما نه شکستند.

ممنوعیت ورود دختران و بانوان به استادیوم‌ها و سالن‌های ورزشی به دلیل «بی‌تربیتی» مردان، احمقانه‌ترین استدلال یک رژیم می‌تواند باشد. پاسخ به رژیم این است که به جای تذکر شبانه‌روزی به زنان بابت رعایت حجاب، به مردان جامعه اخلاق و ادب را شبانه‌روز بیاموزید. مسئولان نباید فراموش کنند که مستمسک قراردادن بی‌نزاکتی مردان به معنای توهین به کل مردان جامعه است!

مسئولان و مقامات باید به‌داند تفریح و نشاط، علاقه به ورزش، نوع سرگرمی‌ها، جنسیت نمی‌شناسد! فوتبال، موزیک، رقص، دوچرخه‌سواری، موتورسواری ... عشق است، نیاز روح است و انتخاب انسان‌ها و مقامات کشوری هر اعتراض مردم را کودکانه و لجاجانه رد می‌کنند. می‌گویند مشکل مردم ورزشگاه رفتن زنان نیست؛ حجاب اجباری نیست؛ موتور سواری و دوچرخه سواری نیست؛ بلکه مشکل همه مردم نیست. اما خواست برخی از مردم کشور است!

مشکل مردم نان، کار، پرداخت حقوق‌های معوقه، دستمزدهای ناعادلانه، فقر که بر کشور سایه انداخته است. مشکل مردم کولبری، کارتن‌خوابی، کودک همسری است. مشکل مردم عدم آزادی، قلم، بیان، فعالیت‌های صنفی و اتحادیه‌های کارگری غیروابسته است. مشکل مردم عدم پوشش سراسری تحصیل رایگان فرزندان‌شان است. مشکل مردم صبوری و همدستی با دزدان و مفسدان مالی آقازاده‌ها است. مردم مشکلات عدیده دارند و سرکوب مطالبات دموکراتیک و خواست‌های بر حق مردم تنها به نفع امپریالیسم و صهیونیسم خواهد بود و راه را برای احیای سلطه استعمار سهل و هموار می‌سازد.

ارتش استعماری و پوسیده‌ای و بدون پایگاه داخلی و بومی به شدت آسیب‌پذیر است و قدرت دفاع از خود را ندارد. بیهوده هم نیست که ارباب ترامپ چپ و راست به دولت‌های شیخ نشین و وابسته بی‌احترامی می‌کند وقتی می‌گوید: «اگر آمریکا از عربستان حمایت نه‌کند، عرب‌ها عرض یک هفته باید فارسی سخن برانند»!!

از قضا مسئولین در امارات سر عقل آمده‌اند، آیا سعودی‌ها به خود می‌آیند؟ باید به آن امیدوار بود و شاید روزی به این نتیجه برسند که مشکلات منطقه و حل مشکلات منطقه تنها به دست ممالک منطقه حل می‌شود. بیگانه فقط به دنبال تفرقه است و جنگ است و نابودی. دست عربستان سعودی از یمن کوتاه باد!

در آخرین لحظات صفحه بندی توفان الکترونیکی خبری مبنی بر یک پیروزی بزرگ مبارزین یمن در یکی از جبهه‌های جنگ به دستمان رسیده که در این عملیات سه تیپ ائتلاف عربی شامل هزاران نظامی به اسارت نیروی مقاومت یمن گرفتار شده‌اند. در این حمله صدها و هزاران تجهیزات نظامی به دست مبارزین یمن افتاده است. شکست عربستان در این جنگ تجاوزکارانه محتوم است. پیروزی نهایی از آن ملت یمن است. *

و مزدور ایرانی کاسه داغ‌تر از آتش شده. وهابی‌ها عقب نشستند و خواهان پی‌گیری برای یافتن ضربه زنده شدند، این اپوزیسیون خودفروخته و خرفت و نادان هنوز در رسانه‌های اجنبی به خاطر یک مشت دلار هر چرندیاتی را به خورد بیننده می‌دهد. این دسته از وطن‌فروشان با استفاده از مواد مخدر به همان روضه‌خوانی‌های آشنا ادامه می‌دهند و از اربابان جهان می‌خواهند تا دیر نشده، یعنی تا این‌ها زنده‌اند، ایران را بمباران کنند. حال گیریم که ایران را بمباران کردند، چرا فکر می‌کنند مردم زیر این جنگ‌طلبان صندلی صدارت می‌گذارند؟ اینها و اربابان‌شان جهانی را سر کار گذاشته‌اند. مردم جهان هم به این همه حماقت به واقع می‌خندند. مبارزین یمن برخلاف تسلیم‌طلبان راه مقدس مقاومت و مبارزه را در پیش گرفتند، چون مبارزه‌شان به حق بود. پیروزی مبارزین یمن در این عمل به واقع شاهکار است و باید برای چنین عملی به یمن و مبارزین یمن تبریک گفت و از دست‌آوردهای آن آموخت.

وهابیون و اربابان‌شان در واشنگتن از سرگیجی چنین شکستی ادعا کردند کار ایران است. طبیعی است کسی چنین ادعایی را باور نمی‌کند. خودشان هم می‌دانند که اگر به‌پذیرند کار ایران است، این به معنای قدرت ایران در برابر صدها میلیارد اسلحه غرب است، و این با وجود تحریم‌های ضدبشری و این بدترین نوع شکست است. بعد گفتند مسئولیت‌اش با ایران است که کلاً موضوع لوٹ شود. در تمام این دوران اروپای متزور و ریاکار به ساز اربابان‌ش در واشنگتن رقصید و با حيله و حقه‌بازی همان اراجیفی را تکرار کرد که گاو شیرده و اربابان واشنگتن را خوش آید. نتیجه این عمل از هر زاویه‌ای که به آن به‌پردازند به سود مبارزین یمن و در درازمدت به سود ایران است و به نوعی از خطر امکان تجاوز به ایران کاسته می‌شود. یکی از تبعات شکست بزرگ وهابی‌ها و ائتلاف عربی، که همان ائتلاف جهان غرب است، این هم هست که ایران و نیروهای حامی او چون حزب الله لبنان، عراق، فلسطین، یمن به جهان نشان دادند قادرند با عبور از دیوار تدافعی اسرائیل در مدتی کوتاه ضربه‌ای مرگبار به اسرائیل و صهیونیست‌ها وارد سازند.

مخلص کلام اینکه مبارزین یمن به واقع از کشور خود و از مردم یمن با هر وسیله‌ای که در اختیار داشته باشند، دفاع می‌کنند. امارات و عربستان سعودی جهت پیروزی بر مبارزین یمن تا به امروز صدها میلیارد دلار اسلحه از کشورهای امپریالیستی و قبل از همه از آمریکا خریداری کرده‌اند که با این اسلحه یمن را تسخیر کنند و به ایران نشان دهند قادرند با اسلحه غرب، با خلبان آمریکایی، بر ایران صدمه رسانند. روشن است چنین

با فساد همه‌گیر در دستگاه حاکمیت باید با شمشیر تیز انقلاب مبارزه کرد

امپریالیسم آمریکا تروریست، جاسوس، ناقض حقوق اساسی انسانها و دشمن شماره یک بشریت است



«به ما دروغ نگوئید و پیمان را دوباره به یک جنگ دیگر نه کشید!»

مقاله‌ای از «یورگن تودنهوفر»، خبرنگار آلمانی که در فیسبوک منتشر کرده است.

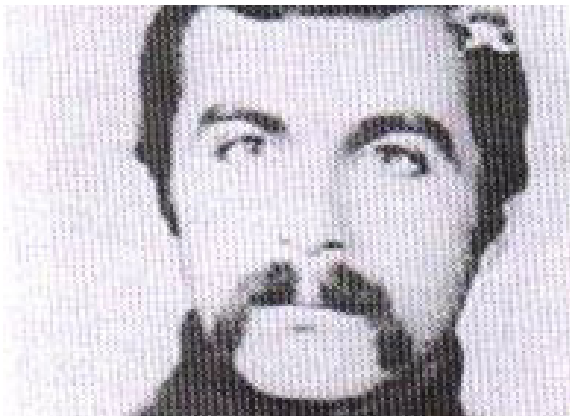
دوستان عزیز،

ایالات متحده تاکنون تقریباً هر جنگی را با دروغ توجیه کرده است. آیا شما هنوز هم «سلاح‌های کشتار جمعی» ساختگی عراق را به یاد دارید؟ آیا مدارک ارائه شده و عکس‌های ماهواره‌ای را به خاطر دارید؟ همه آنها دروغ بود. آیا هنوز هم کسی به آمریکا و مدارک‌اش اعتماد دارد؟ آیا ایران عامل بود؟ آیا واقعاً کشوری که در محاصره قدرت‌های اتمی است، در چنین مقطع زمانی حساسی احمق است که تأسیسات نفتی عربستان سعودی و قلب اقتصاد جهانی را نشانه بگیرد؟ بسیار بعید است! اگر تصاویر ماهواره‌ای ارسالی ایالات متحده، دقیق‌تر بررسی و تجزیه و تحلیل شود، برخلاف ادعای آمریکا، پرتابه‌ها از شمال (ایران) یا شمال غربی (عراق) وارد خاک عربستان نه‌شده‌اند، بلکه همانطور که نیویورک تایمز در این بین نیز با تکیه بر شواهد بسیاری گزارش کرده است، پرتابه‌ها از غرب یا از جنوب غربی بوده‌اند. مناطق جنوب غربی یمن تحت کنترل حوثی‌ها هستند. خجالت‌آور برای ایالات متحده، اما برای بسیاری رسانه‌های غربی هم شرم‌آور است که در دام تبلیغات آمریکا افتادند. تبلیغاتی که به راحتی قابل رد کردن هستند. اما آیا یمن مسئول بود؟ آیا اساساً یمن می‌تواند پهبادهای یا موشک‌های دوربر با بُرد بیش از ۱۰۰۰ کیلومتر را هدف

بگیرد؟ یک سال و نیم پیش، من در جبهه جنگ عربستان و یمن به مدت سه هفته در پایتخت یمن، صنعاء، در انزوا و به دور از بقیه جهان بودم و توانستم با موافقان و مخالفان حوثی‌ها بسیار صحبت کنم. نتیجه گیری من از گفتگوهای این است: در یمن، نه نیروهای ایرانی و نه حزب‌الله هستند. حوثی‌ها «نمایندگان» ایران نیستند. آنها از روی استیصال جنگ می‌کنند. مهم نیست که آمریکا چه تبلیغی می‌کند. حتی چندین سال است سلاح‌های سنگین از ایران به یمن ارسال نه‌شده است. چون همه جا در محاصره کامل (نیروهای سعودی - آمریکایی) است. در مسیر جنوب عدن به شمال غربی صنعاء، مجبور شدم از حدود ۱۰۰ پاسگاه بگذرم. مردان مسلح همه چیز را جستجو می‌کردند. با توجه به ایست‌های بازرسی، ادعای ایالات متحده مبنی بر اینکه ایران موشک‌های عظیمی با بُرد متوسط به یمن تحویل داده است، افسانه‌ای بیش نیست، که تنها به دلیل محاصره سعودی - آمریکا و ممانعت از ورود خبرنگاران به یمن ممکن و عملی است. اینطور البته دروغگویی بسیار سهل و آسان است.

مردم یمن بسیار خلاق و مبتکر شده‌اند. با مهارت و تبحر سلاح‌های قدیمی روسی و کره شمالی را تجدید و بازسازی میکنند. تبدیل و نوسازی موشک‌های کوتاه برد به موشک‌های برد متوسط، موشک‌های هوا به هوا و موشک‌های زمین به هوا و .. به نظر نمی‌رسد که با توجه به کسب اطلاعات لازم حتی از طریق اینترنتی، امری سخت برایشان باشد.

این واقعیت را که یمنی‌ها حتی توانائی ساخت پهباد را دارند، حتی سعودی‌ها هم تأیید می‌کنند. همچنین برای هواپیماهای بدون سرنشین با بُرد طولانی تنها کفایت موتورهای بزرگ تری از دیگر سیستم‌های تسلیحاتی را نصب کنند. اوایل ماه بود که سعودی‌ها به «انبار پهبادهای موشک‌ها» در یمن حمله کردند. حمله‌ای که یکبار بیشتر باعث کشته شدن بیش از ۱۰۰ نفر شد. بنابراین امکان حمله حوثی‌ها به تأسیسات نفتی عربستان



یادی از رفیق «منصور مختاری»، عضو کمیته مرکزی

آنان علی‌رغم عشق به زندگی، از همه چیز خویش دست می‌شویند و در راه خلق جان می‌سپارند، مرگ با عزت و افتخار را پذیرفته‌اند و رفیق «منصور مختاری»، عضو کمیته مرکزی حزب کار ایران، هم چون ده‌ها رفیق دیگر حزب‌مان این مرگ را پذیرفت. او از اولین کمونیست‌هایی بود که در دوران شاه به ما پیوست و به همراه رفیق «فاضلی»، رفیق «جانبرار روحی» و «رفیق ذولفقار عمرانی تبار» و ... کمیته احمد قاسمی، سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان را بنیاد نهادند و پس از احیای حزب به صفوف آن پیوسته و همگی نیز در راه سعادت زحمتکشان جان گرامی خویش را نثار کردند ولیکن از آرمان خود دست نه کشیدند و ثابت نمودند که کمونیست‌های واقعی برخلاف رهبری حزب خائن توده ثابت قدم و مؤمن و مبارزند و تحت هیچ شرایطی اصول عقاید خویش را زیر پا نمی‌گذارند. رفیق «منصور مختاری» در اردیبهشت گذشته (سال ۱۳۶۴) پس از دو سال شکنجه توسط رژیم جنایتکار حاکم بر ایران اعدام شد و بدین طریق در کارنامه چرکین و خیانت‌بار خمینی و هم‌دستان او جنایت دیگری ثبت گردید. سال گذشته نیز رژیم خمینی با اعدام برادر او رفیق «حسن مختاری» به جرم عضویت در حزب کار ایران، درنده‌خوئی خود را به این خانواده داغدار نشان داده بود. یکی از پای می‌افتد، دیگری جایش را می‌گیرد و از این جهت است که حزب ما به حزبی شکست‌ناپذیر تبدیل گشته است. ما عمیقاً معتقدیم که بدون مبارزه قهرمانانه علیه ارتجاع و بدون جان‌فشانی و مقاومت حماسی، پیروزی میسر نیست. کلیه موفقیت‌های حزب ما، ایستادگی‌اش در مقابل ارتجاع و انسجام آهنگین‌اش در پرتو رهبری خردمندانه آن و روحیه پیکار جویانه‌اش حاصل گشته است. ما پیکر غرقه به خون رفقای شهید را به خاک می‌سپاریم و با زنده‌داشتن یاد آنها و با الهام از مبارزات آنها با افراشتن پرچم سرخ کمونیسم، نبرد را تا پیروزی نهانی ادامه خواهیم داد. این جانفشانی‌ها ما را در مبارزات مان مصمم‌تر و توده‌های مردم را خشمگین‌تر و روز انتقام خلق را نزدیک‌تر خواهد نمود. پیکار خلق با این جانفشانی‌ها هر روز شعله‌ورتر می‌گردد.

جاودان باد خاطره رفیق «منصور مختاری»!

ننگ و نفرت بر رژیم تبهکار سرمایه‌داری جمهوری اسلامی!

برگرفته از کتاب «مرغان پر کشیده توفان».

یادنامه‌ای از شهدای توفان؛ چاپ دوم اردیبهشت ۱۳۹۳

وجود دارد. می‌گویم امکان، چرا که من هم آنجا نبوده‌ام! یافتن انگیزه برای این کار، امری سهل و آسان است. مناطق تحت کنترل حوثی‌ها در یمن سال‌هاست که توسط سعودی‌ها بی‌رحمانه با سلاح‌های امریکایی، بریتانیایی و نیز با کمال تأسف سلاح‌های آلمانی، بمباران می‌شوند. من خودم شاهد قتل عام‌های زیر بمباران‌های سعودی‌ها در صنعا بوده‌ام. علاوه بر این، مناطقی که در یمن توسط حوثی‌ها اداره می‌شوند با قحطی و گرسنگی مفرط دست و پنجه نرم می‌کنند. ده‌ها هزار غیرنظامی بر اثر بمباران‌ها به قتل رسیده‌اند و ۱۰۰۰۰۰ نوزاد در اثر قحطی و گرسنگی جان خود را از دست دادند.

آیا می‌توان سؤالی غیراخلاقی و مرتدانه پرسید: چه چیزی با ارزش تر است، نفت سعودی‌ها یا زندگی کودکان یمنی؟ در وضعیت سخت غیرقابل تصویری که یمنی‌ها زندگی می‌کنند، توقع دفاع متعادل و منطقی دشوار است. مهمتر از همه، اینکه آلمان نیز با ارسال اسلحه به عربستان سعودی در نابودی یمن شریک بوده است. شاید حوثی‌ها بر این باورند که می‌توانند با حمله به مرکز رفاه و دارایی سعودی‌ها، آنها را پای میز مذاکره بیاورند. جنون است؟! جنون مردم ناامیدی که در برابر نابودی کامل کشور خود مقاومت می‌کنند؟

آیا راه حلی وجود دارد؟

ایالات متحده با تحریم‌های بین‌المللی خود، یمن و ایران را به قعر بدبختی سوق داده است. آنها تلاش کردند با این کار خود عزت و شأن این دو کشور مغرور و متکی به خود را از بین ببرند. تا زمانی که ایالات متحده تحریم‌های غیرقانونی خود را لغو نه کند، وضعیت خاورمیانه بسیار بحرانی و حاد خواهد بود. هر روز می‌تواند جنگی بزرگ بروز کند که ابعاد آن تمام دنیا را تحت تاثیر قرار دهد.

اگر ترامپ و روحانی با یکدیگر مذاکره نه‌کنند، باید میانجی‌گران‌ها وارد میدان شوند. مرکل در گذشته نامزد برگزیده ایران بود. اما دورانش سپری شده است. حال ماکرون می‌تواند این نقش را ایفا کند. او می‌بایست برای ترامپ روشن کند که بدون برداشتن تحریم‌ها جنگ صورت خواهد گرفت. یک زمانی! حتی اگر شده از طریق بلند کردن «پرچم دروغین» کشورهایی که مدت‌هاست آرزوی جنگ علیه ایران را دارند. اما یک جنگ بزرگ می‌تواند هزینه سنگین شکست دوره بعد انتخابات ریاست جمهوری امریکا را برای ترامپ دربرداشته باشد. این امر می‌تواند بیشتر از هر جنگی به او صدمه بزند. او در حاضر نمی‌تواند جنگی غیرقابل پیش‌بینی را به‌خواهد. از اینرو می‌گویم: کلید صلح در خاورمیانه، در واشنگتن است. ما می‌توانیم از طریق دیپلماسی از این جنگ جلوگیری کنیم. اما ساعت در حال تیک تاک کردن است. •

جایگزین دموکراسی نماید، اخیراً حکومت هیتلر به دنبال حکومت موسولینی در اروپا شکل گرفت. متأسفانه عده‌ای از منورالفکرهای وطنی نیز می‌کوشند توده ملت ایران را جلب فاشیسم کنند».

دکتر ارانی در یکی دیگر از مقالات خود درباره صلح و آزادی و مبارزه علیه فاشیسم چنین نوشت:

«صلح و آزادی شعار مشترک تمام جوانان ترقی‌خواه جهان است. زندگی به شما می‌آموزد که باید چگونه بدستش آورد».

«تا زن استقلال اقتصادی نداشته باشد، آزاد نخواهد شد».

«فاشیسم آخرین اسلحه حفظ منافع طبقاتی است».

رفیق ارانی مارکسیست - لنینیست برجسته و یکی از آموزگاران بزرگ کارگران و زحمتکشان ایران بود. شخصیت سیاسی و تاریخی وی در دو عرصه ملی و بین‌المللی شکل گرفت. وی در عرصه ملی از سنن انقلابی «ستارخان»، «حیدرخان»، «پسیان»، «خیابانی»، مجاهدان و شهیدان مشروطه‌خواه و آزادی‌خواهان انقلاب مشروطه تأثیر گرفته بود، رشد کرد و در عرصه بین‌المللی در جبهه جهانی پرولتاریائی از انقلاب کبیر اکتبر شوروی، انترناسیونال سوم (کمیترن) و نبرد علیه فاشیسم و ساختمان عظیم سوسیالیسم تحت رهبری رفیق استالین الهام می‌گرفت و به این جبهه طبقاتی پرولتاریائی تعلق داشت.

رفیق ارانی یک میهن‌دوست و انترناسیونالیست واقعی بود.

در مورد شهادت این مرد جوان و پرشور اما بزرگ و دانشمند و نابغه ایران جعفر پیشه‌وری که (او نیز در آن ایام در زندان‌های رضاخان حبس بود) دو سال پس از مرگ ارانی در ۱۴ بهمن ۱۳۱۸، در «نشریه آذیر» در این مورد چنین نوشت:

«دکتر ارانی را به سلولی برده بودند که چندی پیش یک مریض تیفووسی در آن منزل داشت. سپس در چهل درجه تب، آمپول «کنین» برایش تزریق نموده و کارش را یکسره کرده بودند. همه می‌دانستند که او را عمداً و طبق نقشه به قتل رسانده‌اند و خواسته‌اند بدین وسیله آزادی‌خواهان ایران را بی‌رهبر بگذارند. اسماعیل شفیع زارزار می‌گریست؛ فرخی یزدی در گوشه‌ای صورتش را با دو دست پوشانده بود؛ شعبان رضانی (جوان کفاش بابلی) فریاد می‌کشید که ما انتقام خون ارانی را می‌گیریم. همان شب، هر ۵-۶ نفر در یک اتاق جمع شدیم. در این مجالس شرح حال دکتر ارانی و مبارزاتش، و مقام والای علمی و ایدئولوژیک او به تفصیل بیان گردید. در پایان همه پیمان می‌بستند که راه ارانی را ادامه دهند».

قتل دکتر تقی ارانی لکه ننگی در تاریخ ۵۰ ساله خیانت و جنایت خاندان پهلوی است.

فرخنده باد سالروز تولد دکتر تقی ارانی!

زنده باد سوسیالیسم، این پرچم رهایی بشریت! •



برگی در تاریخ

یادی از رفیق دکتر تقی ارانی

امروز ۱۳ شهریور برابر با ۵ سپتامبر زادروز رفیق دکتر تقی ارانی است. وی در سال ۱۲۸۳ (۱۹۰۳ میلادی) در تبریز متولد شد. او در سال ۱۳۰۱ برای ادامه تحصیل به آلمان سفر کرد و پس از ۶ سال تحصیل در رشته فیزیک و شیمی به مقام دکتری نائل آمد. در ۱۳۰۹ در دانشگاه برلین به استادی علم بدیع در اشعار فارسی و عربی و ترکی اشتغال داشت. در همین سال به میهن بازگشت و تا سال ۱۳۱۵ به امر تدریس در وزارت جنگ و وزارت صناعت مشغول بود. دکتر تقی ارانی مجله دنیا را در سال ۱۳۱۲ منتشر کرد و این مجله وزین، که زبان مارکسیست - لنینیست‌های ایران بود، در سال ۱۳۱۴ توسط استبداد رضاخانی تعطیل شد.

بازگشت رفیق دکتر تقی ارانی به ایران در سال ۱۳۰۸ همراه بود با رشد تمایلات نازیستی در ایران و آلمان. وی در نخستین شماره مجله دنیا حملات شدیدی را علیه ایدئولوژی نازیسم و فاشیسم آغاز نمود.

در این خصوص چنین می‌خوانیم:

«بر اثر شیوع فاشیسم، که می‌خواهد دیکتاتوری را دوباره



اطلاعیه

عنکبوتی و ضد مردمی‌اش را در تشدید سرکوب کارگران، شلاق و زندان طولیل‌مدت می‌بیند.

رژیم حامی سرمایه‌داری جمهوری اسلامی از بدو تولد نامیمون‌اش همواره با زبان زور، تهدید، زندان، شکنجه و اعدام با کارگران و زحمتکشان ایران سخن گفته است. امروز نیز با هدف به حاشیه کشاندن فساد مالی و دزدی سران بلندپایه نظام، رخنه جاسوسان در ارگان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی و به خاطر شرایط بسیار دشوار اقتصادی و ادامه سیاست‌های خانمان‌برانداز خصوصی‌سازی، کماکان دست به ایجاد ارباب و تهدید می‌زند.

بدون شک این پایان ماجرا نیست و ظلم و بی‌دادگری توسط دستگاه‌های اجرائی ادامه خواهد یافت. نه دادگاه‌های فرمایشی و نه زندان و شکنجه، کارگران جامعه را از مبارزه برای احقاق حقوق باز نه خواهد داشت و سرانجام با اتحاد طبقاتی و تشکیلات سیاسی بر ارتجاع حاکم چیره و به پیروزی خواهند رسید.

حزب ما این احکام ضدانسانی را قویاً محکوم می‌کند و برای آزادی فوری و بی‌قید و شرط کارگران زندانی و سایر فعالین سیاسی از هیچ کوششی دریغ نخواهد کرد.

صدای کارگران زندانی باشیم و برای آزادی آنها به کوشیم!
مرگ بر رژیم ضدکارگر و ضدبشر جمهوری سرمایه‌داری اسلامی!

زنده باد آزادی و سوسیالیسم!

حزب کار ایران (توفان)

۱۵ شهریور ماه ۱۳۹۸ •

احکام ضدانسانی و سنگین به جرم حق طلبی را قویاً محکوم می‌کنیم

امروز صبح بازداشت‌شدگان پرونده هفت‌تپه و «نشریه گام» جهت ابلاغ حکم به دادگاه منتقل شده‌اند.

احکام صادره از شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران و صدور حکم بدوی خبرنگاران فعالان کارگری و صنفی، به شرح زیر است:

۱. اسماعیل بخشی، کارگر هفت‌تپه: ۱۴ سال حبس تعزیری و ۷۴ ضربه شلاق
۲. سپیده قلیان، حامی کارگران هفت‌تپه: ۱۹ سال و ۶ ماه حبس تعزیری
۳. امیرحسین محمدی فرد، سردبیر نشریه گام: ۱۸ سال حبس تعزیری
۴. عسل محمدی، عضو تحریریه نشریه گام: ۱۸ سال حبس تعزیری
۵. ساناز الهیاری، عضو تحریریه نشریه گام: ۱۸ سال حبس تعزیری
۶. امیر امیرقلی، عضو تحریریه نشریه گام: ۱۸ سال حبس تعزیری
۷. محمد خنیفر، کارگر هفت‌تپه: ۶ سال حبس تعزیری.

این احکام سنگین و عجیب و غریب و ضد انسانی و ضد کارگری نشان می‌دهند رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی کاملاً زده به سیم آخر و تنها راه نجات و حفظ نظام



«مرضیه امیری» به ۱۴۸ ضربه شلاق و مجموعاً ۱۰ سال و ۶ ماه زندان محکوم شده است که ۶ سال از این حکم قابل اجرا است. «حسن سعیدی»، عضو سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، به پنج سال حبس تعزیری و ممنوعیت استفاده از وسایل مخابراتی هوشمند نظیر تلفن همراه هوشمند و ممنوعیت عضویت در احزاب، گروه‌ها و دستجات سیاسی و اجتماعی به مدت دو سال محکوم شد.

۳ شهریور

سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه، احکام صادره برای «حسن سعیدی»، «مرضیه امیری» و «لیلا حسین‌زاده» را به شدت محکوم کرده و خواستار پایان‌دادن به این ظلم و ستم و احکام غیرانسانی شد. در بیانیه سندیکا آمده است که «به جای محاکمه غارت‌گران و اختلاس‌گران چند هزار میلیاردی، به جای محاکمه صاحبان سرمایه و کارفرمایان، که حقوق کارگران را می‌دزدند، به جای دادگاهی کردن استثمارگران، به جای محاکمه تمام کسانی که عامل تبعیض و نابرابری هستند، کارگران و مدافعان حقوق کارگر، محاکمه می‌شوند و با تصمیم بی‌دادگاه احکام سنگین و ضربات شلاق، برای آنان صادر می‌شود».

۴ شهریور

براساس رأی بی‌دادگاه شهر شوش ۹ تن از کارگران نیشکر هفت‌تپه هر یک به هشت ماه حبس و ۳۰ ضربه شلاق محکوم شدند. تاکنون ۱۶ تن از کارگران نیشکر هفت‌تپه هر یک به هشت ماه زندان و ۳۰ ضربه شلاق محکوم شده‌اند.

۵ شهریور

«سپیده فرهان» در بی‌دادگاه بدوی به اتهام «فعالیت‌های اخلاق‌گرانه علیه نظم عمومی» و «تلاش علیه امنیت ملی» به ۶ سال زندان و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد.

در متن اعتراضی جمعی از کارگران ساختمانی شهریار به احکام صادر شده برای بازداشت‌شدگان روز کارگر آمده است: «ما کارگران ساختمانی شهریار به شدت چنین بی‌عدالتی را محکوم می‌کنیم. حکم‌های ناعادلانه فقط به جرم تجمع در روز جهانی کارگر و خواستار مطالبات کارگری در این شرایط وحشتناک

در جبهه نبرد طبقاتی

اخبار و گزارشات کارگری شهریور ماه ۱۳۹۸

درحالی‌که بر طبق آمار مطرح شده توسط مسئولین، مطالبات معوقه بیش از ۱۳۰ هزار کارگر در سطح کشور وجود دارد، دستگاه‌های سرکوب‌گر با تمام قوا با شمشیرهای آخته از رو بسته شده علیه کارگران و مزدبگیران زحمتکش صحنه گردانی می‌کنند و مسئولان با ادامه سیاست خانمان‌برانداز خصوصی‌سازی، در کنار پیشبرد سیاست سرکوب و غارت مردم، با نمایش محاکمه اختلاس‌گران، سعی در فریب مردم دارند، تا به استثمار بیشتر کارگران و زحمتکشان ادامه دهند.

فقط در شش ماه ریاست ابراهیم رئیسی بر قوه قضائیه ۲۱۲ تن از فعالان حوزه‌های مختلف کارگری، سیاسی، زنان، فرهنگیان، دانشجویان و ... به ۱۰۲۷ سال و ۶ ماه زندان و ۱۹۲۸ ضربه شلاق محکوم شده‌اند. ابراهیم رئیسی که از صحنه گردانان کشتار وحشیانه زندانیان در «شهریور ماه سال ۶۷» است، بعد از ۳۱ سال مجدداً «شهریور» پر جنایت دیگری به نام خود ثبت کرد. ولی خیالی باطل است اگر گمان برده‌اند که اینبار می‌توانند چون گذشته به سرکوب و جنایت و غارت زحمتکشان ایران ادامه دهند. شهریور ماه نیز همچون ماه‌های دیگر به برگی زرین از مبارزات کارگران و زحمتکشان تبدیل شد که در ادامه نظری به گوشه‌ای از اخبار این ماه می‌اندازیم:

زندانیان جنبش کارگری

۱ شهریور

«اسحاق روحی»، از بازداشت‌شدگان روز کارگر در سندج، به یک سال حبس تعزیری محکوم شد.

«فرنگیس مظلوم»، مادر زندانی سیاسی مجبوس در زندان اوین، از روز جمعه ۲۵ مردادماه ۹۸ در اعتراض به بازداشت و بلاتکلیفی یک ماه‌اش دست به اعتصاب غذا زد. وی هم‌اکنون در هفتمین روز اعتصاب غذا در سلول انفرادی بند ۲۰۹ اوین در بازداشتگاه وزارت اطلاعات به سر می‌برد.

پیمان‌های بین‌المللی، که دولت ایران امضا کرده است، احترام بگذارد. ما خواهان آزادی همه فعالان سندیکائی، روزنامه نگاران و فعالان زندانی و توقف اعمال سرکوب‌گرانه هستیم.

۱۵ شهریور

احکام غیر انسانی و ناعادلانه بر علیه کارگران و فعالان زندانی، «اسماعیل بخشی»، «محمد خنیفر»، «سپیده قلیان»، «امیرحسین محمدی‌فرد»، «ساناز الهیاری»، «امیر امیرقلی» و «عسل محمدی» صادر شد. گروه اتحاد بازنشستگان در اطلاعیه‌ای در محکومیت احکام صادره آورده است: «آنان به بهای حق طلبی و به جرم مطالبه حقوق عقب‌افتاده خود و مخالفت با خصوصی‌سازی و حمایت از خواسته‌های کارگران محکوم شدند. بهتر از این نمی‌توان دست سرمایه‌داران و کارفرمای خاطی و اختلاسگر را در تحمیل فقر و فلاکت و سرکوب فریاد اعتراض کارگران باز گذاشت!! حراست از سرمایه و برقرار کردن امنیت سرمایه‌داران باید با به بند کشیدن کارگران بی حقوق و گرسنه به دست آید!! معجزه پول و سرمایه در این است که قادر است ارزش‌ها را وارونه جلوه دهد و مظلوم را به جای ظالم به بند به کشد. اما صدور این احکام نشانه قدرت نیست، بلکه نمایش عجز و ناتوانی در مقابل کارگرانی است که معیشت و زیست انسانی و شایسته را فریاد می‌زنند: تهدید، زندان و شکنجه، مستند دیگر اثر ندارد!».

«ناهد شقاقی» و «اکرم نصیریان»، دو فعال حقوق زنان، به صورت تلفنی به دادسرای اوین احضار شدند.

پیش از این نیز دو فعال دیگر حقوق زنان به نام‌های «مریم محمدی» و «اسرین در کاله» که هم اکنون در بند زنان زندان اوین و در بازداشت به سر می‌برند، به این شعبه احضار شده‌اند.

۱۶ شهریور

کانون نویسندگان ایران در محکومیت احکام ناعادلانه کارگران و فعالان کارگری اطلاعیه‌ای صادر کرد که در آن آمده است: «بیش از یک قرن حبس برای اسماعیل بخشی، سپیده قلیان، محمد خنیفر، امیرحسین محمدی‌فرد، ساناز الهیاری، عسل محمدی و امیر امیرقلی. □ صدور این گونه حکم‌هاست، از منابعی نیز تغذیه می‌شوند که یکی از آنها ستم و نفرت جنسیتی است؛ زن بودن است. در همین روزها عاطفه رنگریز و مرضیه امیری از بازداشت‌شدگان روز جهانی کارگر، یکی پژوهشگر و دیگری خبرنگار، هر یک به بیش از ده سال زندان و ده‌ها ضربه شلاق محکوم شده‌اند. در همین روزها برای اسرین در کاله و پروین محمدی دو فعال حقوق زنان کیفرخواستی سنگین شامل انواع اتهام‌ها ساخته‌اند که مقدمه‌ی صدور حکم‌های سنگین است. بیشتر آمران و عاملان صدور این گونه احکام از دهه‌ی ۶۰ آمده‌اند و لابد نتایج «طلایی» سرکوب آن دوره را به یاد دارند، اما نباید از یاد به‌برند که اگر آنها همان‌اند، دنیا دیگر شده است. با صدور احکام سنگین وحشتناک حتما فشارها و رنج‌هایی به فعالان عرصه‌های گوناگون و خانواده‌هایشان تحمیل و موانعی در راه اعتراض‌های مردم ایجاد خواهند کرد،

معیشتی، که برای ما کارگران به وجود آوردند، بی‌نهایت غیرانسانی است. به جای پاسخ‌دادن به مطالبات ما کارگران، ما را با چنین احکامی ظالمانه روبرو می‌کنند. چنین احکامی تعرض بی‌رحمانه به سفره خالی تمام کارگران و زحمتکش‌شان است. ما کارگران ساختمانی شه‌ریار این احکام ناعادلانه را محکوم و تا پای جان در کنار این عزیزان دلسوز می‌ایستیم و نه می‌گوئیم به زندانی کردن کارگران و فعالان کارگری».

«رهام یگانه»، «فرید لطف‌آبادی»، «هیراد پیربدایی» از زندان اوین آزاد شدند.

۱۶ شهریور

فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران احکام حبس «مرضیه امیری»، «مسعود کاظمی» و «کیومرث مرزبان» را محکوم ساخت.

«آرام زندی»، فعال کارگری در حضور مادر پیرش «دایه مریم» با ضرب و شتم بازداشت و به مکان نامعلومی انتقال یافت. «دایه مریم»، مادر «آرام» با دیدن ضرب و شتم و دستگیری فرزندش به حمله قلبی دچار شد و به بیمارستان تأمین اجتماعی سندرچ انتقال یافت.

۱۷ شهریور

«سید رسول طالب مقدم»، راننده شرکت واحد، به اتهام‌های واهی فعالیت تبلیغی علیه نظام و اختلال در نظم عمومی به ۷۴ ضربه شلاق، دو سال حبس تعزیری، دو سال تبعید به منطقه آفرایز از توابع بخش سده خراسان جنوبی و همچنین دو سال محرومیت از استفاده تلفن همراه هوشمند و منع عضویت در دستجات و احزاب و گروه‌های سیاسی و اجتماعی محکوم گردید.

۱۹ شهریور

«عاطفه رنگریز»، دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی، به ۷۴ ضربه شلاق و ۱۱ سال و ۶ ماه حبس محکوم شد. «پروین محمدی»، «علیرضا ثقفی» و «هاله صفرزاده» که در روز ششم اردیبهشت ماه در پارک جهان نمای کرج بدون هیچ دلیلی دستگیر شده بودند و پس از پانزده روز بازداشت به قید کفالت موقتاً آزاد شدند، در روز دوم شهریور توسط شعبه اول دادگاه انقلاب کرج دادگاهی شده و برای هر سه نفر حکم یکسال حبس تعزیری صادر شد.

۱۰ شهریور

حکم پنج سال زندان برای «بهنام ابراهیم‌زاده» صادر شد. جرم «بهنام ابراهیم‌زاده» کمک به زلزله‌زدگان، دفاع از کودکان کار و حمایت از مبارزه کارگران ایران بوده است.

۱۲ شهریور

«شاپور احسانی‌راد»، فعال کارگری، با تودیع قرار کفالت از زندان اوین آزاد شد.

۱۳ شهریور

«محبوبه فرحزادی»، فعال صنفی معلمان به دادسرای اوین احضار شد.

۱۴ شهریور

سندیکاهای فرانسه خطاب به حسن روحانی، خواستار آزادی دستگیر شدگان اول ماه مه و فعالان کارگری شدند. در نامه آنان به روحانی آمده است: «ما سازمان‌های سندیکایی فرانسوی، امضا کننده این نامه، این اعمال سرکوب‌گرایانه غیرقابل تحمل را قویاً محکوم می‌کنیم. از رژیم ایران می‌خواهیم که به

اما سکوت و سکون را نمی‌توانند بر آنها غالب کنند».

۱۷ شهریور

«شاپور احسانی‌راد» به دو اتهام واهی «اقدام علیه امنیت ملی» و «تبلیغ علیه نظام» به دادگاه احضار شد
سندیکای کارگران هفت تپه در اطلاعیه‌ای به احکام ظالمانه علیه کارگران و مدافعان آنها واکنش نشان داد. در این اطلاعیه آمده است که: «صادرکنندگان احکام ظالمانه علیه کارگران هفت تپه و اعضای نشریه گام، همان کسانی هستند که از هر کانالی استفاده می‌کنند تا با شیطان بزرگ! وارد مذاکره شوند. آنان در مقابل شیطان بزرگ، راه نرمش و تسلیم را اتخاذ کرده، چرا که منافع عمومی آنان در یک سمت و سو قرار دارد؛ دفاع از نظام سرمایه‌داری و سرکوب کارگران، در ایران یا آمریکا، در فرانسه یا در آلمان و ... فرقی ندارد، هر جا کارگران ستم‌دیده به میدان بیایند، توسط آنان قلع و قم خواهند شد. اما از دیگر سو، اعتراض و اعتصابات کارگران را به «اجانب» نسبت می‌دهند تا به این وسیله برای افراد زود باور توجیه داشته باشند و بتوانند همچنان بر سرنوشت میلیون‌ها انسان حاکم شوند».

۱۸ شهریور

سندیکای کارگران شرکت واحد با صدور بیانیه‌ای صدور احکام قرون وسطایی علیه فعالان کارگری را محکوم ساخت. در این بیانیه آمده است:

«در اقدامی سرکوب‌گرانه و به جای پاسخ به مطالبات برحق کارگران، تجمع اعتراضی و برحق کارگران مقابل مجلس در روز جهانی کارگر (یازده اردیبهشت ۹۸) که در اعتراض به وضعیت افسارگسیخته معیشتی و اعتراض به فقر و فلاکت روزافزون برای کارگران برگزار شده بود، با یورش عوامل امنیتی به تجمع کارگران حدود پنجاه تن از شرکت‌کنندگان در این تجمع بازداشت شدند... سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه احکام صادره علیه بازداشت شدگان روز جهانی کارگر را قویاً محکوم می‌کند و نسبت به تداوم برخوردهای پلیسی، امنیتی، قضایی با اعتراضات برحق و بدیهی کارگران، معلمان، فعالین کارگری و حامیان آنها و منجمله روزنامه‌نگاران و دانشجویان هشدار می‌دهد و خواستار آزادی فوری و بی‌قید و شرط کلیه بازداشت‌شدگان روز جهانی کارگر، همچنین کارگران، فعالین کارگری و معلمان زندانی در سراسر کشور و لغو احکام صادره و توقف محاکمه آنان می‌باشد».

بیش از یکصد تن از فعالین کارگری و صنفی معلمان خواستار اعاده دادرسی و برگزاری دادگاه علنی برای تمامی بازداشتیان و زندانی‌های کارگری، صنفی، معلمان، دانشجویی، زنان و فعالین مدنی شدند.

۲۰ شهریور

اتحادیه کارگران قطار، کشتیرانی و حمل و نقل انگلستان خواهان لغو احکام زندان و شلاق برای کارگران و حامیان

حقوق کارگران در ایران شد.

کانون صنفی معلمان ایران (تهران) در بیانیه خود به صدور احکام ظالمانه و سنگین برای فعالان مدنی اعتراض کرد. در این بیانیه می‌خوانیم «کانون صنفی معلمان ایران ضمن محکوم نمودن احکام ناعادلانه زندان و شلاق علیه بازداشت‌شدگان روز معلم در سال ۹۷ و ۹۸ و روز جهانی کارگر، کارگران هفت تپه و حامیان آنها، زنان و دانشجویان و ... خواهان آزادی بدون قید و شرط تمام افرادی است که در یک روند ناعادلانه محاکمه شده‌اند».

۲۱ شهریور

کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری نیروژ خواستار آزادی بی‌قید و شرط فعالان کارگری شد.
«آرام زندی»، فعال کارگری اهل سنندج، با تودیع قرار وثیقه ۱۰۰ میلیون تومانی موقتاً از زندان سنندج آزاد شد.
«کاوه کیان‌پور» فعال کارگری، توسط افراد لباس شخصی وزارت اطلاعات در خیابان دستگیر و به مکان نامعلومی انتقال داده شد.

۲۳ شهریور

معترضان فراسوی «جلیقه زردها» در تظاهرات خود در پاریس بنری را در حمایت از فعالان مدنی و کارگری بازداشتی در اعتراض‌های هفت تپه همراه داشتند.

۲۴ شهریور

سندیکای شرکت واحد با صدور بیانیه‌ای احکام صادره علیه کارگران و فعالان کارگری را محکوم ساخت. در این بیانیه آمده است: «□ در حالی شاهد محکومیت‌های سنگین و ظالمانه علیه نمایندگان کارگران هفت تپه و فعالین کارگری و مدنی هستیم، که ناآرامی مدیریتی اجرائی در کشور باعث از بین رفتن حداکثری قدرت خرید کارگران و فرودستان شده است، بطوری که حقوق کارگران امروز تأمین‌کننده حتی حداقل‌ترین هزینه‌های خوراکی، پوشاک، مسکن و درمان نمی‌باشد. □ سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی اینگونه احکام ظالمانه و غیرانسانی را قویاً محکوم می‌کند و خواستار آزادی بی‌قید و شرط تمامی بازداشت‌شدگان کارگری و روزنامه‌نگار و فعالین مدنی است و از سیستم امنیتی و قضایی می‌خواهد به جای تعقیب کارگران و نمایندگان آنان، بهتر است عاملین فساد و رانت گسترده که باعث فقر و تورم و بیکاری و افزایش جرم و بزهکاری را در جامعه فراهم کرده، مورد تعقیب و بازداشت و زندان قرار دهند».

فعالین کارگری سنندج حمایت کامل خود را از «اسماعیل بخشی»، «سپیده قلیان»، «ساناز ال‌هیاری»، «امیر حسین محمدی‌فرد»، «امیر امیرقلی»، «علی نجاتی» و «محمد خنیفر» تا آزادی کامل و مختومه شدن پرونده‌هایشان اعلام داشتند.

۲۶ شهریور

«مریم محمدی» و «اسرین درکاله» از اعضای ندای زنان ایران آزاد شدند.

عفو بین الملل خواستار آزادی بی قید و شرط «عسل محمدی» و دیگر فعالان کارگری شد.

۳۰ شهریور

«ساناز الهیاری»، «مرضیه امیری»، «ندا ناجی» و «عسل محمدی» در نامه‌ای مشترک از زندان اوین خطاب به فعالان و جامعه پیام خود را منتشر کردند. در این پیام آمده است: «تأمین نان، امروز به بزرگ‌ترین دغدغه‌ی مزدبگیران بدل شده است. تعمیق انبان مفسدان اقتصادی، اختلاس‌گران و طراران اقتصادی از یک سو و تحریم‌های ضدانسانی زورمندان اقتصاد جهانی از سوی دیگر سفره زحمتکشان را بیش از پیش کوچک کرده است. □

هرچند تاکنون جز بی‌عدالتی نصیب‌مان نشده، هرچند در بازداشت‌های «موقت» طولانی به سر می‌بریم، هرچند احتمال اجرای احکام ناعادلانه و سنگین از جان و روان‌مان می‌کاهد، اما شوق به زندگی، میل به آزادی، و شغف دوباره زیستن در کنار عزیزان‌مان امیدبخش لحظه‌های ماست؛ چونان خواهران و برادران برابری‌طلب‌مان که سال‌ها، روزهای تاریک حبس را با همین امید سپری کرده و می‌کنند.»

«هیراد پیربدافی»، فعال کارگری دوباره دستگیر شد

۱۳ شهریور

۴۱ نفر از کارگران فولاد اهواز به دادگاه احضار شدند.

۱۶ شهریور

وقتی ۴۱ کارگر احضار شده فولاد اهواز دسته جمعی به دادگستری استان مراجعه کردند، کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز در محل شرکت بی‌صبرانه منتظر نتیجه بودند که دادگستری با وانمود به بی‌خبری از کارگران می‌پرسد: «چرا اینجا آمدید؟ احضار شایعه است و ما کاری با شما نداریم». عقب‌نشینی دادگستری به خاطر وحشت از اعتراض و اتحاد کارگران صورت گرفته است. سخنگوی قوه قضائیه از صدور قرار منع تعقیب و تبرئه ۴۱ تن از کارگران شرکت فولاد اهواز که به دلیل شرکت در تجمعات اعتراضی در خوزستان با گشایش پرونده روبرو شده بودند، خبر داد. زنده باد اتحاد کارگران فولاد! دست آورد اتحاد پیروزی است!

۲۴ شهریور

پرسنل بخش نورد تیر آهن در گروه ملی فولاد در اعتراض به عدم پرداخت حقوق معوقه، اقدام به توقف تولید در خط ۶۳۰ این بخش نموده‌اند.

کارگران هپکو

۲ شهریور

کارگران شرکت هپکوی اراک، در اعتراض به بلاتکلیفی وضعیت شرکت و معوقات مزدی خود، در مقابل ساختمان این شرکت تجمع و راهپیمایی کردند.

۳ شهریور

تجمع و راهپیمایی کارگران هپکو اراک در اعتراض به وضعیت حقوق معوقه خود.

۴ شهریور

کارگران معترض هپکو در سومین روز اعتصاب خود، خط آهن شمال جنوب را مسدود کردند.

۵ شهریور

کارگران شرکت هپکو اراک، برای چهارمین روز پیاپی، در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق‌ها و دستمزدهای معوقه خود، دست به تجمع اعتراضی زدند و برای چند ساعت راه‌آهن شمال جنوب را بستند.

کارگران هپکو، علاوه بر مطالبه حقوق معوقه خود، خواهان تعیین تکلیف وضعیت مدیریتی شرکت، وضعیت سهام کارخانه و احیای واحدهای تولیدی نیز شدند. همچنین اجرایی شدن قرارداد سال گذشته وزارت راه و شهرسازی برای ساخت ۲ هزار و ۴۰۰ دستگاه انواع ماشین‌آلات راه‌سازی از دیگر خواسته‌های کارگران هپکو است.

۱۳ شهریور

کارگران آذراب اراک در حمایت از کارگران هپکو تجمع نمودند.

۲۵ شهریور

در ادامه اعتراضات کارگران کارخانه هپکو ۹۰۰ کارگر در دو روز اخیر اعتراضات را ادامه داده‌اند و خواهان تعیین تکلیف وضعیت سهامداری شرکت شده‌اند. کارگران هپکو با تجمع در مسیر راه آهن شمال - جنوب و مسدود کردن این مسیر اعتراض خود را اعلام کردند.

۲۶ شهریور

آذر آب اراک

۱۲ شهریور

کارگران آذر آب در میدان باغ ملی اراک تجمع کرده و خواستار تعیین تکلیف وضعیت مدیریت شرکت شدند. این کارگران دستمزد تیر و مرداد ماه‌شان را دریافت نه کرده‌اند. کارگران به نشانه اعتراض در میدان مرکزی شهر اراک در تجمع اعتراضی خود اقدام به پهن کردن سفره خالی کردند.

۱۳ شهریور

جمعی از کارگران واحد تولیدی، صنعتی آذر آب اراک، برای دومین روز متوالی در اعتراض به معوقات مزدی خود، دست به تجمع زده و در میدان مرکزی این شهر راهپیمایی کردند و خواهان لغو خصوصی‌سازی شرکت شدند.

با وجود احضارها و فشارهای دستگاه‌های امنیتی در پی اعتراضات پیشین کارگران آذر آب در سال‌های گذشته و با وجود اینکه معاونت سیاسی امنیتی استانداری، پلیس امنیت و فرماندار سعی در جلوگیری از تجمع کارگران داشتند، کارگران آذر آب به خیابان آمدند و خواسته‌های خود را فریاد کشیدند.

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه ضمن حمایت از خواست و مطالبات کارگران آذر آب، هرگونه فشار پلیسی و احضار و تهدید کارگران این شرکت را محکوم ساخت.

۱۴ شهریور

تجمع اعتراضی کارگران آذر آب و اعلام همبستگی با کارگران معترض هپکو.

۱۶ شهریور

کارگران کارخانه آذر آب واقع در شهر اراک به خاطر عدم دریافت حقوق خود به مدت ۲ ماه به خیابان آمدند و دست به اعتراض زدند. کارگران با پهن کردن سفره‌های خالی صدای خود را به گوش همگان رساندند.

فولاد اهواز

شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه تهاجم ناجوانمردانه به کارگران هپکو اراک و ضرب و جرح و بازداشت آنان را محکوم می‌کند و نسبت به ظلمی که به کارگران می‌رود هشدار می‌دهد و خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط کارگران هپکو اراک و دیگر کارگران و معلمان زندانی است».

کارگران دیگر

۳ شهریور

جمعی از بازنشستگان مترو تهران در اعتراض به تعویق پرداخت ده ماه حق سنوات‌شان مقابل ساختمان شورای شهر تجمع کرده و خواستار پرداخت مطالبات‌شان شدند.

۴ شهریور

کارگران شهرداری کاشان در اعتراض به پرداخت‌نشدن حقوق عقب‌افتاده خود در مقابل شهرداری تجمع کردند.

۶ شهریور

کارگران کارخانه آلومینیوم کاوه پارس واقع در مسجد سلیمان برای سومین روز در اعتراض به اخراج جمعی از همکاران‌شان دست به اعتصاب زدند.

کارگران شرکت رامپکو و شرکت کیسون قطار شهری اهواز در مقابل استانداری برای مطالبات معوقه خود دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران این دو شرکت در روز سوم شهریور نیز تجمع اعتراضی مشترکی در مقابل استانداری اهواز داشتند.

۱۰ شهریور

کارگران کارخانه کنتورسازی قزوین در اعتراض به عدم دریافت مطالبات مزدی ۲۵ ماهه خود، با تجمع در مقابل ساختمان استانداری قزوین، خواستار رسیدگی به وضعیت خود و بازپس‌گیری این شرکت از بخش خصوصی شدند.

این کارخانه در ماه گذشته نیز به دلیل تعدیل نیرو، شاهد برگزاری تجمع اعتراضی بوده است.

کارگران پیشتر نیز در اعتراض به عدم پرداخت معوقه‌های خود تجمع کرده بودند.

کارگران فاز ۱۲ پارس جنوبی (پالایشگاه نهم) در شهرستان کنگان، در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات مزدی سال‌های گذشته از سوی پیمانکار پیشین خود، در محوطه پالایشگاه تجمع کردند.

۱۱ شهریور

۲۶۰ نفر از کارگران کارخانه قند فسا در اعتراض به پرداخت‌نشدن دستمزدهای خرداد، تیر و مرداد ماه در تجمع خود درخواست پرداخت حقوق‌های چند ماه گذشته خود را داشتند.

تجمع کارگران کنتورسازی قزوین در اعتراض به حقوق معوقه ۲۵ ماهه و سنوات‌شان مقابل استانداری قزوین تجمع کردند و خواستار پیگیری مطالبات خود از سوی مسئولان شدند. این کارگران روز دهم شهریور نیز به همراه خانواده‌های خود مقابل استانداری تجمع کرده بودند.

۱۲ شهریور

کارگران شهرداری کوت عبدالله اهواز جهت اعتراض به عدم پرداخت حقوق خود اقدام به تخلیه لجن جلوی شهرداری کردند! این کارگران ۸ ماه است حقوقی دریافت نکرده‌اند.

شماری از کارکنان شاغل در دفاتر سهام عدالت در اعتراض به نامشخص‌بودن وضعیت شغلی و معوقات مزدی خود، در مقابل

در حالی که کارگران هپکو اراک در راستای پیگیری مطالبات خود دست به تجمع زده بودند، توسط نیروهای سرکوب مورد حمله وحشیانه قرار گرفتند، که متأسفانه تعدادی از کارگران شدیداً زخمی و به بیمارستان انتقال داده شدند.

تعداد کارگران بازداشتی در جریان یورش نیروهای گارد ویژه به کارگران هپکو ۲۸ نفر و مجروحان ۱۵ نفر بودند.

سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه این حمله وحشیانه را محکوم کرد و خود را در کنار کارگران هپکو دانست و از خواست‌ها و مطالبات به حق این کارگران اعلام حمایت کرد.

جمعی از کارگران آذربایجان به نمایندگی از دیگر کارگران برای ابراز همدردی و همراهی با کارگران هپکو به این شرکت رفته و با نصب بنر و شعار همراهی خود را با کارگران هپکوی اراک اعلام کردند. بعد از این حمایت تعدادی از کارگران آذربایجان مورد تهدید و احضار قرار گرفته‌اند.

گروه اتحاد بازنشستگان ضمن محکوم نمودن سرکوب غیرانسانی و وحشیانه کارگران، از خواسته‌های مسلم کارگران هپکو اعلام حمایت نمود و خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط کارگران دستگیر شده.

سندیکای کارگران شرکت واحد بازداشت و برخورد وحشیانه پلیس ضدشورش با کارگران معترض را شدیداً محکوم کرد و اعلام داشت که خواستار آزادی بی‌قید و شرط تمامی بازداشت‌شدگان و برخورد قاطع با ضاربان کارگران هپکو است.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران ضمن حمایت از خواسته‌های کارگران هپکو اعلام داشت که خواهان آزادی همه کارگران بازداشتی و زندانی طبقه کارگر و هوادارانش می‌باشد.

۲۷ شهریور

کارگران واگن‌سازی پارس، در اعتراض به ضرب و شتم کارگران هپکو و در حمایت از آنان حدود ساعت یک ظهر از محل کارخانه هپکو تا بلوار واگن پارس راهپیمایی کردند.

با وجود حضور نیروهای سرکوب‌گر، کارگران هپکو برای پیگیری مطالبات خود در مقابل شرکت تجمع کردند.

از میان ۲۸ بازداشت شده کارگران هپکو عصر روز گذشته سه کارگر هپکو اراک، که پس از یورش نیروهای امنیتی بازداشت شده بودند، با قرار وثیقه از زندان مرکزی اراک آزاد شدند.

امروز نیز برای آزادی ۴ کارگر وثیقه ۲۵۰ میلیون تومانی صادر شده و برای سایر کارگران بازداشتی هم فیش حقوقی برای کفالت خواسته شده است. کارگران و خانواده‌های بازداشت‌شدگان هپکو امروز در حال پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان هستند. کارگران هپکو امروز در حال پیگیری و تأیید فیش‌های حقوقی خود برای آزادی رفقای خود بودند. گفته می‌شود تمام دستگیرشدگان در زندان مرکزی اراک نگهداری می‌شوند.

۳۰ شهریور

جمعی از کارگران بازنشسته سنندج عمل وحشیانه و غیرانسانی سرکوب کارگران را قویاً محکوم ساختند و خواستار آزادی بدون هیچ قید و شرط همه دستگیرشدگان شدند و حمله به کارگران هپکو را حمله به کل طبقه کارگر و جنیت کارگری ایران نامیدند.

سی و یکم شهریور

سندیکای شرکت واحد با انتشار بیانیه‌ای سرکوب کارگران هپکو را محکوم ساخت در این بیانیه می‌خوانیم: «سندیکای کارگران

ساختمان وزارت کار در تهران دست به تجمع زدند.

۱۴ شهریور

کارگران شرکت کنتورسازی شهرستان البرز استان قزوین برای پیگیری مطالبات خود در مقابل دانشگاه بین‌المللی خمینی تجمع کردند.

۱۶ شهریور

کارگران کنتورسازی قزوین به سبب عدم دریافت منظم حقوق خود در دو سال اخیر دست به تجمع و راه پیمایی مقابل فرمانداری این شهر زدند.

۲۰ شهریور

کارگران مناطق ۴ و ۵ و ۶ شهرداری اهواز در اعتراض به پرداخت نشدن ۵ ماه حقوق‌شان دست از کار کشیده و در مقابل شهرداری این شهر تجمع کردند.

۲۱ شهریور

کارگران زحمتکش کنتورسازی، که از سال ۸۷ با پدیده خصوصی‌سازی روبرو شده‌اند، بیش از ۲۰ ماه است که حقوق نه گرفته‌اند و در چندمین روز اعتراضات خود مقابل دفتر امام جمعه این شهر تجمع کردند.

کارگرانی که در سال ۸۷ تعدادشان ۹۰۰ نفر بود و امروز به زحمت به ۱۵۰ نفر می‌رسد و هر سال تعداد آنها کمتر از پیش می‌شود. مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره این شرکت به دلیل پرونده اقتصادی در بازداشت موقت هستند.

۲۴ شهریور

کارگران شرکت حمل و نقل جاده‌ای خلیج فارس در اعتراض به اعمال فشار «مدیریت بخش خصوصی شرکت» برای تبدیل وضعیت قرارداد کارگران دائمی به پیمانی دست به تجمع زدند.

۲۵ شهریور

کارگران شهرداری لیک برای به نمایش گذاشتن اعتراض‌شان نسبت به عدم پرداخت ۵ ماه حقوق و حق بیمه و نیمی از عیدی دست به تجمع مقابل فرمانداری شهرستان بهمئی در استان کهگیلویه و بویراحمد زدند.

کشاورزان

۱۸ شهریور

با رأی شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری شماره دو شهرستان بروجن در استان چهارمحال بختیاری از میان ۲۸۳ متهم بلداجی ۱۰۳ نفر از کشاورزان بلداجی به سه هزار ضربه شلاق و ۴۰۰ ماه زندان تعزیری محکوم شدند.

کشاورزان به دلیل مخالفت با انتقال غیرقانونی آب تالاب بین‌المللی چغاخور به فولاد سفید دشت (فولاد اصفهان) به اختلال در نظم و آسایش عمومی و ترمد نسبت به مأموران دولتی متهم شده بودند.

فرهنگیان

۱ شهریور

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران در حمایت از مطالبات پیش‌کسوتان فرهنگی و تجمع ۴ شهریور بیانیه‌ای صادر کرد که در آن می‌خوانیم: «شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران از تمام فرهنگیان می‌خواهد از خواسته‌های صنفی پیش‌کسوتان حمایت نموده و در تجمع بازنشستگان مقابل وزارت کار رفاه و امور

اجتماعی شرکت فعال داشته باشند.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران تمام‌قد از حقوق و مطالبات صنفی فرهنگیان بازنشسته و شاغل و دانش‌آموزان دفاع می‌کند و پیگیری امور صنفی مجموعه آموزش پرورش را وظیفه خود می‌داند.»

۳ شهریور

انجمن صنفی فرهنگیان شاغل و بازنشسته کرمانشاه حمایت خود را از معلم متعهد و فعال صنفی «اسکندر لطفی» اعلام نمود.

جمعی از نیروهای قراردادی آموزش و پرورش، نسبت به عدم رسیدگی به مطالبات‌شان در مقابل ساختمان مجلس شورای اسلامی تجمع کردند.

۷ شهریور

انجمن صنفی معلمان کردستان «سقز و زیویه» در دفاع از اسکندر لطفی و اعتراض به حکم صادره علیه یاسر امینی آذر بیانیه‌ای داد که در آن آمده است: «

با اینکه بارها تشکل‌های صنفی و در رأس آنها شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران اعلام کرده‌اند که خواسته‌ها و روش‌های مطالبه‌گری ما صنفی و منطبق بر مواد مصرح در قانون اساسی و حقوق شهروندی است، اما متأسفانه باز شاهد برخوردها و صدور این احکام هدفمند و به دور از ضابطه و عقلانیت بوده که با روح جامعه مدنی و دموکراتیک در تضاد است.»

۱۰ شهریور

جمعی از معلمان حق‌التدریس غیرمستمر سال ۹۳ و خرید خدمات آموزشی سال ۹۳ در مقابل مجلس تجمع کردند و خواهان تبدیل وضعیت، استخدامی و بهبود وضعیت معیشت خود شدند.

۲۵ شهریور

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران به مناسبت آغاز سال تحصیلی اطلاعیه‌ای منتشر کرده است که در آن می‌خوانیم «شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران خواهان آزادی بی‌قید و شرط تمام معلمان زندانی است و نسبت به عواقب پرونده‌سازی علیه فعالان صنفی هشدار جدی می‌دهد. نهادهای امنیتی باید بدانند که تهدید و زندان و ارباب و پرونده‌سازی برای کنش‌گران صنفی راه خاموش کردن مطالبه‌گری نیست، چرا که پرونده‌های محدود معلمان صنفی و زندان افکندن چند تن از بهترین معلمان تلاشگر در سال‌های ۹۳ و ۹۴، اینک به بالغ بر پنجاه پرونده مختمه و باز رسیده است. □ صدور حکم زندان و شلاق برای فعالان صنفی، که یادآور احکام قرون وسطایی است، نشان از اوج این سرکوب‌هاست. ما با صدای رسا می‌گوئیم اگر مطالبه حق در راستای کرامت انسانی و بهبود معیشت همگان جرم است و اگر مطالبه عدالت آموزشی و دفاع از حقوق کودکان محروم، جرم است، شما می‌توانید برای ما پرونده‌سازی و علیه ما کیفرخواست صادر کنید، ما را اخراج نمائید به بند به کشید و تبعیدمان کنید؛ اما به دانید ما لحظه‌ای از مطالبه‌گری و عدالت‌خواهی دست‌نخواهیم کشید.»

۲۶ شهریور

«محمدعلی زحمتکش»، معلم و فعال صنفی، امروز از زندان عادل‌آباد شیراز آزاد شد.

هفت تپه

۱۴ شهریور

کارگران رسمی شرکت نیشکر هفت تپه، که تعداد آنان بیشتر از ۴۰۰ نفر بود، به علت عدم پرداخت دستمزد تیر ماه دست از کار کشیدند و مقابل ساختمان مدیریت این مجتمع برای وصول مطالبات صنفی خود تجمع اعتراضی برگزار کردند.

۱۵ شهریور

تعداد زیادی از کارگران رسمی شرکت نیشکر هفت تپه به دلیل پرداخت نشدن حقوق تیرماه، امضاء نکردن احکام شغلی و پرداخت نشدن دوماه دیرکرد مابه‌التفاوت معوق مشاغل‌بندی مطابق آخرین حقوق در مقابل حسابداری شرکت دست به تجمع اعتراضی زدند.

۱۶ شهریور

پیام «اسماعیل بخشی» از زندان بعد از رفتن به دادگاه و ابلاغ حکم «می‌رنجم تا تو نرنجی

شادم ازین رنج

می‌خندم در این رنج بر این رنج

رقصان رنجت را به دوش می‌کشم

تا تو نرنجی

تا تو بخندی...»

۱۷ شهریور

اعتصاب کارگران رسمی هفت تپه به دلیل عدم دریافت دستمزد تیرماه همچنان ادامه دارد.

خواست کارگران عبارت است از: ۱- اخراج و منحل کردن تشکل وابسته و رشوه‌گیر شورای اسلامی کار. ۲- بیرون‌انداختن و اخراج بخش فاسد خصوصی و مدیران نالایق از جمله مدیران مالی و اداری که دارای حقوق‌های نجومی هستند (در ضمن این افراد بازنشسته هستند).

۳۱ شهریور

«اسدیگی» در پی انتقام از کارگران اقدام به اخراج ۲۰ کارگر هفت تپه کرد. اسامی کارگران اخراج شده عبارتند از:

«محمد خنیفر»، فرزند قاسم؛ «محمد خنیفر»، فرزند حمید؛ «رضا پور چنانی»؛ «صاحب ظهیری»؛ «محمود سعدی»؛ «عادل عبدلخانی»؛ «محمد عبدلخانی»؛ «سمیر احمدی»؛ «حمزه آل کثیر»؛ «ایمان اخضری»؛ «کریم میاحی»؛ «فاضل جعبی‌زاده»؛ «اشکان گودرزی»؛ «مسعود لویمی» و ۶ نفر دیگر. سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه این عمل غیرانسانی را محکوم کرده و خواهان بازگشت به کار این کارگران شریف و زحمت‌کش شده است.

بازنشستگان

۱ شهریور

شانزده تشکل مستقل بازنشستگان، فرهنگیان و فعالان صنفی سراسر کشور با صدور بیانیه مشترکی از فراخوان برای تجمع «۴ شهریور ۹۸» حمایت، و شرکت خود را در آن اعلام کردند.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران با صدور بیانیه‌ای حضور فعالانه خود را در تجمع «۴ شهریور ۹۸» اعلام نمود. در این بیانیه آمده است: «شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران تمام قد از حقوق و مطالبات صنفی فرهنگیان بازنشسته و شاغل و دانش‌آموزان دفاع می‌کند و پیگیری امور صنفی مجموعه آموزش پرورش را وظیفه خود می‌داند.»

حمایت سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه از فراخوان تجمع «گروه

اتحاد بازنشستگان» در ۴ شهریور ۹۸.

در اعلام حمایت سندیکا آمده است: «ما از فراخوان بازنشستگان حمایت می‌کنیم زیرا حمایت از زندگی کارگران، زحمتکشان و تمام مزدبگیران جامعه است. ما هم به مانند هم سرنوشتان خود، مخالف خصوصی‌سازی هستیم، مخالف کالایی‌کردن آموزش و تحصیل هستیم. مخالف کالایی کردن خدمات درمانی و خدمات اجتماعی... هستیم.»

۳ شهریور

در بیانیه صادره شده از طرف کانون صنفی معلمان ایران (تهران) در حمایت از مطالبات بازنشستگان آمده است: «کانون صنفی معلمان ایران (تهران) چون گذشته با حمایت از خواسته‌های بازنشستگان، در احقاق حقوق از دست رفته پیش‌کسوتان عرصه‌های کار، تمام همت خود را بکار خواهد بست.»

۴ شهریور

طبق فراخوانی که بازنشستگان در اعتراض به نادیده گرفتن خواست‌هایشان داده بودند و ۳۴ گروه از سراسر ایران با امضا خود از این تجمع حمایت خود را اعلام کردند؛ بیش از پانصد نفر صدای حق خواهی خود را سر داده و در تجمع شرکت کردند.

تجمع اعتراضی بازنشستگان در اعتراض به وضعیت سخت معیشت و شرایط اسفبار گرانی و تورم روز افزون در کشور مقابل وزارت کار تهران برگزار شد.

تجمع کنندگان با فریاد «تا حق خود نه‌گیریم از پا نمی‌نشینیم» صدای اعتراض خود را بلند کردند.

بازنشستگان خشمگین با شعارهای «مسئول بی‌کفایت استعفا»، «استعفا!»؛ «معیشت، منزلت، سلامت حق مسلم ماست!»؛ «نیاز ما این زمان معیشت است و درمان!»؛ «معلم، کارگر، زندانی سیاسی آزاد باید گردد!»؛ «حقوق‌های نجومی فلاکت عمومی!»، خشم خود را فریاد زدند.

۱۸ شهریور

فراخوان تجمع بازنشستگان شهر رشت در ۲۵ شهریور ساعت ۱۰ صبح مقابل استانداری رشت.

شهریور نیز تمام شد اما مبارزه تا رسیدن به پیروزی ادامه خواهد داشت. اخبار را با وامی از فریرز رئیس دانا به پایان می‌بریم. «اینبار این مشت آهنین است و طبقه کارگر است که از ذهن هوشیار آزادی‌خواهان و روشن‌اندیشان برخوردار می‌شود. اینبار این توفنده می‌خواهد ثروت‌های به یغمارفته، دسترنج‌های بالا کشیده، رانت‌ها و امتیازهای ستمگرانه و سوءاستفاده‌های مبتنی بر قدرت و ایدئولوژی حاکم را به نفع مردم پس بگیرد. اینبار چالش گران حقوق اجتماعی با امپریالیسم و تدبیرهای آن آشنا ترند و راز بقای قدرت از راه سازش پشت پرده را همان قدر می‌شناسند که راز فقر ماندگار توده‌ها.»

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

آنها حمایت کردیم. اما برخوردی که نیروهای امنیتی با بهانه‌ی ضد «امنیت ملی» بودن اعتراضات کارگران، با کارگران و با حامیان کارگران کرد، شدیدتر از حد سابق بود. برخوردی که منجر شد به بازداشت‌های طولانی‌مدت (به عنوان مثال از بازداشت موقت ساناز اللهیاری و امیرحسین محمدی فر بیش از هشت ماه می‌گذرد)، تحمل سلول‌های انفرادی حتی بعد از انجام مراحل بازجویی، انتقال خواهران مان، عاطفه رنگریز و سپیده قلیان، به زندان قرچک (به عنوان تنبیه بیشتر یا تبعید)، تعیین وثیقه‌های سنگین دو میلیاردی و اجرایی نکردن آن و دست آخر صدور احکام سنگین.

شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب در یک روند کاملاً ناعادلانه بدون کوچک‌ترین توجهی به دفاعیات ما و وکلایمان، صرفاً با تکیه بر توصیه‌های ضابطین پرونده، احکام سنگین و کم‌سابقه از ده سال و نیم تا هجده سال صادر کرد و در این میان، ندا ناجی، دیگر بازداشتی روز کارگر، منتظر برگزاری دادگاه است و در بلا تکلیفی به سر می‌برد.

زندانی شدنمان و این احکام، در یک لحظه هر آن چیزی را در آستانه‌ی فروپاشی قرار داد که برای به دست آوردنش به درازای عمرمان تلاش کرده بودیم؛ عشق‌هایی که به فراق انجامید، تحصیلاتی که ناتمام ماند و سرپناه‌ها و شغل‌هایی که از دست رفت، جسم‌هایی که تحلیل رفت... و بعد رد اشک مادران منتظر عدالت، همراه لحظه‌هایمان شد.

اما آنچه این رنج را دو چندان می‌کند، دیدن تبعیض عریانی است که در مواجهه با برخی مفسدان اقتصادی و رانت‌خواران در نسبت با پرونده‌ی فعالان اجتماعی، کارگری و روزنامه‌نگاران در پیش گرفته شده است؛ تبعیضی که فرد را چنان ناامید از برقراری عدالت می‌سازد که در مقابل عدالت‌خانه ناگزیر به قمار با جان خود می‌شود.

هرچند تاکنون جز بی‌عدالتی نصیب‌مان نشده، هرچند در بازداشت‌های «موقت» طولانی به سر می‌بریم، هرچند احتمال اجرای احکام ناعادلانه و سنگین از جان و روانمان می‌کاهد، اما شوق به زندگی، میل به آزادی، و شعف دوباره زیستن در کنار عزیزانمان امیدبخش لحظه‌های ماست؛ چونان خواهران و برادران برابری‌طلب‌مان که سال‌ها، روزهای تاریک حبس را با همین امید سپری کرده و می‌کنند.

صدای دادخواهی شما از قوه قضاییه، واکنش‌های بسیاری را برانگیخت، از جمله واکنش رئیس این قوه مبنی بر رسیدگی منصفانه به احکام صادره از شعبه ۲۸. صدای حق‌خواهی تان روزنه‌ای از امید را نه فقط در دل ما بلکه برای تمام کسانی گشود که به ناحق دربندند. تسکین ما، تداوم صدایی است که به دادخواهی از بطن جامعه برخاسته و امیدواریم که شنیدن این صدا از سوی متولیان قضایی منجر به اجرای عدالت انسانی شود... دلگرمیمان به صداقت تلاش‌های شما برای آزادی بی‌قید و شرط‌مان.

شهریور ۹۸ زندان اوین

ساناز اللهیاری، عسل محمدی، مرضیه امیری، قهفرخی •



نامه‌ی چهار نفره از بند نسوان

زندان اوین

«مرضیه امیری»، «ندا ناجی»، «ساناز اللهیاری» و «عسل محمدی» در نامه‌ای از زندان اوین خطاب به فعالان و جامعه مدنی نوشتند: «هرچند تاکنون جز بی‌عدالتی نصیب‌مان نشده، هرچند در بازداشت‌های «موقت» طولانی به سر می‌بریم، هرچند احتمال اجرای احکام ناعادلانه و سنگین از جان و روانمان می‌کاهد، اما شوق به زندگی، میل به آزادی، و شعف دوباره زیستن در کنار عزیزانمان امیدبخش لحظه‌های ماست».

متن کامل نامه:

«تأمین نان، امروز به بزرگ‌ترین دغدغه‌ی مزدبگیران بدل شده است. تعمیق انبان مفسدان اقتصادی، اختلاس‌گران و طاران اقتصادی از یک سو و تحریم‌های ضدانسانی زورمندان اقتصاد جهانی از سوی دیگر سفره‌ی زحمتکشان را بیش از پیش کوچک کرده است. فرودستان جامعه در جدالی نابرابر برای کسب و حفظ کار و همچنین برای دریافت دستمزد معوق، سعی می‌کنند از اندک داشته‌هایشان در برابر صاحبان قدرت و ثروت، محافظت کنند. اعتراضات کارگران هفت‌تپه نمونه‌ای از این جدال بود که بر پایه‌ی مطالبات به‌حق کارگران شکل گرفت؛ اعتراضاتی که پژواک خواسته‌های صنفی جامعه و گریز از درد بود. آنها نسبت به وضعیتی معترض بودند که با شدت و ضعف متفاوت، زندگی تمامی مزدبگیران از جمله ما را به بن‌بست اقتصادی کشانده. ما نیز به‌عنوان بخشی از جامعه که متأثر از این شرایط اقتصادی بودیم خواسته‌های به‌حق کارگران را خواسته‌های خود می‌دانستیم و از



برگی در تاریخ

به مناسبت هشتادمین سالگرد جنگ جهانی دوم و پیروزی بر ارتش نازیسم آلمان

این جنگ که شش سال به طول انجامید، سرانجام با پیروزی ارتش سرخ بر نازیسم و ارتش هیتلری به پایان رسید. پیروزی ارتش سرخ بر ارتش هیتلری تنها یک پیروزی برای خلق‌های شوروی نبود، آثار این پیروزی عظیم تاریخی در کشورهای جهان و در اروپا هم با نفوذ احزاب کمونیست در میان مردم پدیدار گردید. در سال ۱۹۴۶ نزدیک به ۲۸٪ به حزب کمونیست فرانسه رأی دادند. شمار اعضای حزب کمونیست بلژیک به ۱۰۳ هزار نفر افزایش یافت و طبقه کارگر کشورهایمانند ایتالیا، فرانسه، بلژیک، هلند و دانمارک غیره توانستند دستاوردهای اجتماعی بزرگی را کسب نمایند. با پیروزی ارتش سرخ بر آلمان هیتلری جنبش‌های رهایی‌بخش ملی نیز رشد چشم‌گیری یافتند و یکی پس از دیگری بر استعمارگران پیروز شدند.

نویسنده آمریکایی، «ارنست همینگوی» پس از پیروزی اتحاد شوروی بر آلمان هیتلری چه زیبا نوشت: «هر انسانی که آزادی را دوست دارد، بیش از طول عمرش به ارتش سرخ و شوروی سپاسگزاری بدهکار است».

در هشتاد سال پیش با تجاوز آلمان نازی به لهستان در اول ۱۹۳۹ جنگ جهانی دوم رسماً آغاز شد که به مدت ۶ سال به طول انجامید و با جان‌باختن بیش از ۶۰ میلیون نفر و با شکست امپریالیسم آلمان به پایان رسید. در این جنگ بیش از ۵ میلیون شهروند لهستانی، تقریباً یک پنجم جمعیت این کشور در طول جنگ جان‌باختند. حدوداً ۲۷ میلیون از مردم اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی در این جنگ کشته شدند. جنگ جهانی دوم در واقع در سال ۱۹۳۱ اشغال منچوری توسط امپریالیسم ژاپن و اشغال اتیوپی توسط امپریالیسم ایتالیا در سال ۱۹۳۵ و حمایت ایتالیا از ژنرال فرانکو در جنگ داخلی اسپانیا در سال‌های ۱۹۳۵ و ۱۹۳۶ آغاز شده بود. هیتلر و مأمورین نازی نیز یک جنگ صلیبی تمام عیاری را علیه اتحاد جماهیر شوروی آغاز نمودند. اتحاد شوروی سوسیالیستی تحت رهبری استالین با تحلیل دقیق و خردمندانه از اوضاع جهان و بررسی نیت جنگ‌طلبانه امپریالیسم آلمان و جهت سازماندهی و آماده‌کردن قوای خود در مقابل تهاجم ارتش نازی «پیمان عدم تجاوز» و نه «پیمان صلح» با آلمان را در ۲۳ اوت سال ۱۹۳۹ منعقد کرد. اما دو سال بعد آلمان در ژوئن ۱۹۴۱، بدون اعلام قبلی با حمله وحشیانه به شوروی عملاً پیمان عدم تجاوز را نقض نمود و با شوروی وارد جنگ شد.

با فساد همه‌گیر در دستگاه حاکمیت باید با شمشیر تیز انقلاب مبارزه کرد

(گونه‌های زیستی) شروع شده و شما فقط می‌توانید از پول و رشد بی‌وقفه اقتصادی حرف بزنید. چطور رویتان می‌شود؟» «برای بیش از ۳۰ سال حرف علم در این باره هیچ ابهامی نداشته. چطور جرأت می‌کنید به این موضوع پشت کنید، به اینجا بیایید تا بگوئید به اندازه کافی تلاش می‌کنید، در حالی که هنوز هیچ اثری از سیاست‌ها و راه‌حل‌های لازم به چشم نمی‌خورد».

«شما می‌گوئید صدای ما را می‌شنوید و از عجالت موضوع خبر دارید. اما صرف‌نظر از اندوه و خشمی که دچارش هستم، نمی‌خواهم این موضوع را باور کنم، چون اگر واقعا اوضاع را درک می‌کنید و باز هم در اقدام کردن (برای حل این مشکل) ناکام می‌مانید، در آن صورت باید آدم‌های پلیدی باشید و من نمی‌خواهم این موضوع را باور کنم».

احساسات و سخنان این دختر نوجوان قابل فهم و درک است، اگرچه او هنوز به درجه‌ای از آگاهی و پختگی نرسیده است تا بطور مستقیم نظام سرمایه‌داری امپریالیستی را به زیر پرسش برد و هنوز به دل‌رحمی رهبران سرمایه‌داری و محیط‌زیست امیدوارم است، تا شاید فرجی صورت گیرد. اما تا همینجا که میلیون‌ها نوجوان در مورد ویرانی محیط‌زیست احساس نگرانی می‌کنند و به میدان آمده‌اند، امر مثبتی است و افشاگر ماهیت ویران‌گرانه سرمایه‌داری است که هدفی جز سودای کسب حداکثر سود و لگدمال کردن امید و رویاهای جوانان در سر ندارد و در سرشت‌اش جنگ و تباهی محیط‌زیست نهفته است. باید در این اعتراضات شرکت کرد و به آن جهت داد.

راه نجات بشریت از این مخمصه جهانی و حفظ صلح و سلامت محیط‌زیست سرنگونی نظام بورژوازی و استقرار سوسیالیسم است و جز این نیست.

وان قابل فهم و درک است، اگرچه او هنوز به درجه‌ای از آگاهی و پختگی نرسیده است تا بطور مستقیم نظام سرمایه‌داری امپریالیستی را به زیر پرسش برد و هنوز به دل‌رحمی رهبران سرمایه‌داری و محیط‌زیست امیدوارم است تا شاید فرجی صورت گیرد اما تا همینجا که میلیون‌ها نوجوان در مورد ویرانی محیط‌زیست احساس نگرانی میکنند و به میدان آمده‌اند، امر مثبتی می‌باشد و افشاگر ماهیت ویران‌گرانه سرمایه‌داری است که هدفی جز سودای کسب حداکثر سود و لگدمال کردن امید و رویاهای جوانان در سر ندارد و در سرشت‌اش جنگ و تباهی محیط‌زیست نهفته است.

راه نجات بشریت از این مخمصه جهانی و حفظ صلح و سلامت محیط‌زیست سرنگونی نظام بورژوازی و استقرار سوسیالیسم است و جز این نیست.



«شما به ما خیانت می‌کنید!»

گرتا تونبرگ در اجلاس اقلیمی سازمان ملل

سخنان خشم‌آلود نوجوان فعال محیط‌زیست، «گرتا تونبرگ» در اجلاس سازمان ملل متحد:

«ما فقط هشت سال و نیم وقت داریم. شما به ما خیانت می‌کنید! چطور جرئت می‌کنید!»

«گرتا تونبرگ» نوجوان سوئدی که برای مبارزه با تغییرات اقلیمی فعالیت می‌کند، در سخنانی پرحرارت در برابر رهبران جهان در سازمان ملل، آنها را به ناکامی در این زمینه متهم کرده است. او در اجلاس تغییرات اقلیمی سازمان ملل در نیویورک گفت: «شما با کلمات توخالی مرا از رویاهایم و کودکی‌ام محروم کرده‌اید. تازه من جزو خوش‌شانس‌ها هستم». حدود ۶۰ رهبر جهان در این اجلاس یک روزه، که «آنتونیو گوترش»، دبیر کل سازمان ملل متحد ترتیب داده بود، شرکت کرده‌اند.

«گرتا تونبرگ» گفت: «هیچ چیز سر جایش نیست. من نباید اینجا باشم. من باید آن طرف اقیانوس الان در مدرسه باشم. در مقابل شما به ما جوان‌ها چشم امید دوخته‌اید! چطور رویتان می‌شود؟». او که ۱۶ سال دارد و با قایق از اقیانوس عبور کرده تا در این اجلاس شرکت کند، رهبران جهان را ترغیب کرد، فوراً اقدام کنند و گفت: «ما شما را زیر نظر خواهیم داشت». او اضافه کرد: «مردم دارند جان‌شان را از دست می‌دهند. اکوسیستم‌ها یکجا در حال فروپاشی هستند. انقراض انبوه



اخراج امینه کاکاباوه از «حزب چپ سوئد» اقدامی صحیح علیه اسلام‌هراسی و راسیسم

و دمکراسی» سوئد هستند. منبع این فیلم نفرت‌انگیز حزب نئوفاشیست اروپای شمالی بود که بطور گسترده‌ای در عرصه مجازی پخش و تبلیغ گردید. پیام این فیلم، اسلام‌هراسی و آفریقایی‌هراسی و انگشت اتهام به سوی مردان سومالیایی به عنوان شهروندان «زن ستیز» بود که آهنگ آن دارند با تغییر قانون اساسی سوئد یک دولت بنیادگرای اسلامی را در سوئد بنا نهند. نصب لینک این فیلم خارجی ستیز در صفحه فیسبوک «امینه کاکاباوه» با افشاگری شدید نشریه ضدراسیستی «اکس پو» روبرو گشت و مورد انتقاد دبیر اول این حزب قرار گرفت. «امینه کاکاباوه» ضمن انتقاد از خود مبنی بر اینکه نمی‌دانسته منبع این فیلم حزب نئوفاشیست اروپای شمالی است، اما در عین حال بیان داشت که «با مضمون فیلم مخالفتی ندارد».

اخراج چنین عنصری از «حزب چپ» حداقل در کادر مبارزه ضد راسیستی و ضد فاشیستی اقدامی صحیح و به نفع مبارزه دمکراتیک و ترقی خواهانه است.

یکم اینکه ما کمونیست‌ها اصولاً علیه تمام اشکال ستم‌گرانه و زن‌ستیزانه و فرهنگ ناموس‌پرستی چه در شکل اسلامی یا مسیحی پیکار می‌کنیم. پدیده حاشیه‌نشینی و در انزوا قرار گرفتن مهاجرین و پناهندگان نتیجه طبیعی دیکتاتوری سرمایه است و نه اعمال دیکتاتوری مردان بر زنان. «امینه کاکاباوه»، نماینده پارلمان و عضو «حزب چپ» در ۲۲ ژوئن ۲۰۱۶ در روزنامه عصر سوئد، «اکسپرسن» نوشت: «در مناطق حاشیه‌نشین سوئد، دیکتاتوری مردهای مسلمان، فرهنگ ناموس‌پرستی، سلطه مردها و اختناق مذهبی در حال رشد است».

وی آژیر خطر را به صدا درآورده و تلاش کرده است افکار عمومی را به سوی مبارزه علیه مردان مسلمان به عنوان یک

«حزب چپ» سوئد، که حزبی رفرمیستی و متمایل به حزب سوسیال دمکرات سوئد است، اخیراً در یک کنفرانس مطبوعاتی «امینه کاکاباوه» عضو کردتبار خود را رسماً اخراج کرده است. «امینه کاکاباوه» که عضو پارلمان سوئد نیز هست و قبلاً عضو «کومله و حزب کمونیست ایران» بوده، سرانجام به خاطر تشدید تضادهای درونی و به دلیل عدم رعایت موازین حزبی و رویکردهای اسلام‌ستیزانه و دامن‌زدن به اسلام‌هراسی از حزب چپ اخراج شده است.

«خانم امینه کاکاباوه سال‌هاست پرچم «فمینیستی» مبارزه با «فرهنگ ناموس‌پرستی و خشونت‌های زن‌ستیزانه» را برافراشته و به اسلام‌هراسی و خارجی‌ستیزی دامن زده است. وی با راست‌ترین نیروهای ارتجاعی و احزاب امپریالیستی همسنگراست و از حمایت این محافظ راسیستی حامی تروریسم دولتی غرب برخوردار می‌باشد. «کاکاباوه» در سال ۲۰۱۶ ویدئویی جعلی در صفحه فیسبوک خود منتشر کرد که ساخته راست‌گرایان افراطی ضد مسلمان بود. وی بارها مدعی شده است که در حومه شهرهای سوئد «خلافت اسلامی» شکل گرفته و به دولت و مردم سوئد هشدار داده است که مراقب نفوذ مسلمانان حاشیه‌نشین باشند و اینها خطر جدی برای «امنیت

«امینه کاکاباوه» از دولت دست نشانده پرو امپریالیستی و پرو صهیونیستی و خودمختار کردستان عراق، که با همکاری «جرج بوش» و «چنی» در شمال عراق پدید آمد، حمایت می‌کند. وی بدون تردید از تجاوز احتمالی نظامی آمریکا و اسرائیل به ایران حمایت خواهد کرد. طبق این فمینیست تازه به دوران رسیده، برانداختن چنین رژیم‌هائی اسلامی به هر قیمتی عمل صحیحی است.

سوم اینک نیروهای انقلابی و کمونیستی در شرایط کنونی وظیفه سنگینی بر دوششان است و باید پیشاپیش پرچم مبارزه علیه فقر و ناعدالتی در مناطق فقیرنشین و حاشیه‌نشین را برافرازند و از زحمتکشان و مردم محروم قاطعانه و شفاف دفاع نمایند. مارکسیست - لنینیست‌ها باید پرچمدار مبارزه علیه هر نوع ستم و تبعیض علیه زنان باشند و تمام اشکال زن‌ستیزی را به چالش گیرند و خود رأساً ابتکار مبارزه آگاه‌گرانه علیه نیروهای مسلمان افراطی را که اقلیت کوچکی در جامعه هستند، علیه بیکاری، بی‌مسکنی و فقر بطور مشخصا در دست گیرند.

مبارزه با مذهب باید در کادر مبارزه طبقاتی و تاریخی صورت گیرد و نه با برافراشتن پرچم «اسلام هراسی» و اعلان «جنگ علیه مذهب». چنین سیاستی فقط به سود نیروهای امپریالیستی و نتولیرال تمام خواهد شد. طبعاً باید در محل کار و زیست بر علیه گرایش‌های مذهبی و فشار بر زنان مبارزه کرد و همزمان مبارزه علیه راسیسم، فاشیسم و نتولیرالیسم را در سر لوحه کار خود قرار داد. «امینه کاکاباوه» و امثال او، که تمام هم و غم‌شان مبارزه با گرایش‌های ارتجاع اسلامی و مسئله فرهنگ «ناموس پرستی» است، عملاً به ابزار دست احزاب نتوفاشیست، راست سنتی لیبرال و محافظه کار و دمکرات مسیحی بدل شده‌اند. «امینه کاکاباوه» خود را «چپ و مارکسیست» می‌داند، اما آن چپی نیست که دغدغه‌اش مبارزه علیه دیکتاتوری سرمایه، علیه امپریالیسم و صهیونیسم باشد. او و امثال او به خاطر افق تنگ‌شان و آلودگی به نظریات ساموئل هانگتیتون رسالتی جز دامن‌زدن به «اسلام هراسی» و راسیسم و بدل شدن به ابزار دست نتوفاشیست‌ها ندارند.

پدیده جدی و تعیین‌کننده‌ترین معضل حاشیه‌نشینی سوق دهد. چنین نگاهی به مسئله حاشیه‌نشینی، انحراف از مبارزه طبقاتی است و این امر موجب شکاف و انشقاق در صفوف زنان و مردان در پیکار مشترک‌شان بر علیه دیکتاتوری سرمایه‌داری انحصاری نتولیرالیسم به عنوان عامل اصلی بروز فقر و خشونت و بیکاری، راسیسم، خارجی‌ستیزی و اسلام‌هراسی می‌گردد. «کاکاباوه» در باتلاق مسائل فرعی در مناطق حاشیه‌نشین فرو رفته و همه مردان مسلمان را به یک چوب زده و به اسلام هراسی دامن زده است.

دوم اینک «امینه کاکاباوه» به دکتترین «جنگ تمدن‌های» پرفسور ساموئل هانتینگتون گرایش دارد و از نظرات ارتجاعی او الهام می‌گیرد. طبق تحلیل «ساموئل هانتینگتون» «اسلام دارای «مرزهای خونینی است» و برای اثبات این نظر خود مدعی است که «حکومت‌های اسلامی در دو سوم از ۶۲ نزاع منطقه‌ای شریک‌اند و مسبب این نابسامانی‌های امروزی‌اند. هانتینگتون از همین منظر نزاعی را که در خاورمیانه در گرفته است، به اسلام و مسلمان‌ها نسبت می‌دهد. با الهام از این نظریه ارتجاعی و نژادپرستانه است که جنگ تجاوزکارانه علیه افغانستان و سایر ممالک اسلامی در خاورمیانه توسط هواداران چنین اندیشه استعماری در قالب «اسلام هراسی و سکولاریسم» و «ممانعت از توحش و بربریت» مورد حمایت قرار گرفته است. «امینه کاکاباوه» از «حزب کمونیست کارگری منصور حکمت»، که یک حزب مدافع امپریالیسم و صهیونیسم اسرائیل است، الهام می‌گیرد و همان نظرات ارتجاعی و صهیونیستی را ارائه می‌دهد. حزب کمونیست کارگری به رهبری منصور حکمت بی‌شرمانه از تجاوز به افغانستان در قالب فرمول ارتجاعی «سناریوی سیاه و سفید» دفاع نمود. امپریالیسم و صهیونیسم در این دکتترین انحرافی، جبهه سناریوی سفید محسوب می‌شوند و اسلام سیاسی و بنیادگرایی، سناریوی سیاه. «امینه کاکاباوه» از این سیاست استعماری در خاورمیانه دفاع می‌کند. وی از مبارزه جنبش مقاومت فلسطین به خاطر رنگ اسلامی علیه اشغالگران صهیونیست اسرائیل حمایت نمی‌کند. وی که این همه از فرهنگ «ناموس پرستی» و «مردسالارانه» و حقوق زنان سخن می‌گوید و برایشان دلسوزانی می‌کند، اما در مورد قتل عام زنان غزه و جنایات بیشمار و ضدانسانی صهیونیست‌ها سکوت کرده است. وی از تجاوز امپریالیست‌ها و وحوش داعش به سوریه دفاع می‌کند. «امینه کاکاباوه» مدافع سیاست‌های استعماری و جنگ‌های تجاوزکارانه امپریالیستی علیه «دول یاغی» در منطقه است. وی از همین منظر موافق تحریم ایران از جمله در عرصه ورزشی است. «کاکاباوه» در آستانه مسابقه دوستانه فوتبال مردان بین ایران و سوئد در مارس ۲۰۱۵ بیانیه‌ای صادر کرد و از دولت سوئد طلب نمود که این مسابقه دوستانه را لغو کند. وی همانند اپوزیسیون خودفروخته عراقی در دوران تدارک جنگ امپریالیستی علیه رژیم صدام حسین، خواهان تحریم و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی توسط امپریالیسم است.





یاد رفیق «توخی» گرامی باد!

رفیق «توخی» در اثر سکته مغزی و پس از چند روز بستری شدن در ۲۸ ماه اوت درگذشت و یاران خود را تنها گذاشت. فقدان این رفیق بر جنبش انقلابی و کمونیستی افغانستان سنگینی می‌کند.

حزب ما از دوره فعالیت «سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان» این رفیق را می‌شناخت. نشریه توفان آن دوره به افغانستان ارسال می‌شد و در دسترس مبارزان افغانستانی قرار می‌گرفت. رفیق «توخی» با نظرات صدرویزونیستی رفقا «احمد قاسمی» و «غلامحسین فروتن» و مبارزان آنان بر علیه رژیم دست‌نشانده شاه آشنائی فراوان داشت و از آنها دفاع می‌نمود. رفیق «توخی» همواره بر همبستگی بین‌المللی بین خلق‌ها، به ویژه خلق‌های منطقه، افغانستان، ایران، عراق، فلسطین و ... تأکید داشت و این تجسم زیباترین خصوصیت یک کمونیست انقلابی است.

یادش گرامی باد!
حزب کار ایران (توفان)

پیام هواداران حزب کار ایران (توفان) با مراسم یابود رفیق «توخی»

خاطره رفیق کبیر «توخی» گرامی باد!

جنبش انقلابی و کمونیستی افغانستان یکی از با تجربه‌ترین یاران خود را از دست داد.

رفیق «توخی» در مبارزه‌ای طولانی در سرزمین خود با استقامت در مقابل درد و رنج و شکنجه و زندان آبدیده شد و استوار و سرفراز تجربه خود را در خدمت توده‌های ستمدیده کشورش به کار گرفت و زمانی که مجبور به مهاجرت شد، پیوند با این توده را ادامه داد. برای او بهترین بستر مبارزه میهن‌اش بود که در آن بیشترین ارتباط سیاسی - فرهنگی با ستمدیدگانش را

داشت ولی مهاجرت او را از فعالیت انقلابی‌اش بازنده‌داشت و هرگاه اکسیونی توسط نیروهای مترقی و انقلابی برگزار می‌شد، در آن فعال بود.

رفیق «توخی» تمامی نیروی خود را در خدمت رهائی زحمتکشان از ستم و سرکوب و تبعیض و نژادپرستی قرار داد. او به مارکسیسم - لنینیسم، علم رهائی زحمتکشان از استثمار، باور داشت و آنرا در مبارزه‌اش به کار می‌گرفت. زمانی که سوسیال امپریالیست‌های کرملین نشین به میهن‌اش افغانستان تجاوز نظامی کردند، رفیق «توخی» آنرا با تئوری‌های روزیونیستی توجیه نه‌نمود و با شهامت در مقابل تجاوز ایستاد. او از ماهیت این تئوری‌های بورژوائی شناخت داشت. بیهوده نبود که رفیق «توخی» همواره از مبارزه صدرویزونیستی رفقا «قاسمی» و «دکتر فروتن» یاد می‌نمود و آنرا می‌ستود.

رفیق «توخی» همواره تئوری‌های «دخالت بشردوستانه»، «حقوق بشر سرمایه‌داری»، «مبارزه با اسلام سیاسی» را که از اطاق‌های فکری امپریالیستی - صهیونیستی بیرون آمده‌اند، به مسخره می‌گرفت و دست به افشای هدف و ماهیت آنها می‌زد. نتیجه مصیبت‌بار و ضدانسانی نزدیک به دو دهه تجاوز نظامی آمریکا به افغانستان شاهدهی بر درستی افشاگری و فعالیت ضد جنگ این رفیق است.

یاد رفیق کبیر «توخی» گرامی باد و پرچم مبارزه‌اش برافراشته‌تر!
هواداران حزب کار ایران (توفان) در آمریکا و کانادا

۱۱ سپتامبر ۲۰۱۹

گزارش کوتاهی از مراسم یابود رفیق «توخی» در تورنتو کانادا مراسم با شکوه یابود رفیق «توخی» در روز یکشنبه ۱۵ سپتامبر با شرکت فعالین سیاسی و کمونیست‌های افغانستانی و ایرانی در شهر تورنتو برگزار شد. در سالن برگزاری مراسم، عکس‌هایی از رفیق «توخی» و همچنین تصاویر تعدادی از انقلابیون و کمونیست‌های افغانستانی، که قربانی رژیم‌های پرچمی -



به مناسبت سی و یکمین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان و شهریور ۱۳۶۷

سی و یکمین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی را پشت سر می‌گذاریم. در تابستان و شهریور ۶۷، رژیم بربرمنش جمهوری اسلامی با فرمان خمینی، که پس از هشت سال جنگ خانمان سوز مجبور به سرکشیدن جام زهر گردید و رسماً شکست را پذیرفت، برای ارباب و تثبیت حاکمیت ارتجاعی خویش، عفریت مرگ را بر بالای سر زندانیان به پرواز درآورد و با بی‌رحمی و شقاوتی غیرقابل توصیف هزاران انسان را در بی‌دادگاه اسلامی تیرباران و یا به دار آویخت. حمام خونی که در تاریخ معاصر ایران کم‌نظیر است.

در این کشتار شوم، رفقا «مهدی مهرعلیان (هاشم)»، «حجت آلیان (کیومرث)» و «فرهاد مهری پاشاکی»، از اعضای حزب کار ایران (توفان) نیز هم چون خیل عظیمی از مبارزین دیگر به شهادت رسیدند. این رفقا جان تسلیم کردند، اما تسلیم نه شدند. در سی و یکمین سالگرد فاجعه تابستان و شهریور ۶۷ یاد همه جانبختگان راه آزادی و عدالت اجتماعی را گرامی به‌داریم و آن را به سلاحی برای تشدید مبارزه و افشای بی‌امان رژیم اراذل و اوباش جمهوری اسلامی تبدیل کنیم!•

خلق شده‌اند، در انظار شرکت کنندگان قرار داشت. در ابتدای مراسم، رفقای افغانستانی شرحی از زندگی پربار مبارزاتی رفیق «توخی» را بیان داشتند. سپس پیام‌های ارسالی از چندین سازمان افغانستانی و دو سازمان ایرانی قرائت شد. در این پیام‌ها آمده بود که رفیق «توخی» در مبارزه‌اش بر ستم‌دیگان و زحمتکشان تکیه داشت، به مارکسیسم - لنینیسم باور عمیق داشت. در دوره مبارزاتی‌اش در افغانستان، همواره جنایات نیروهای طرفدار سوسیال امپریالیسم شوروی را افشا می‌کرد. در زمان لشکرکشی آمریکا به افغانستان، رفیق توخی با پرچم «آمریکا و ناتو، از افغانستان خارج شوید» اعتراض شدید خود را به اشغال افغانستان ابراز داشت و لحظه‌ای از افشای جنایات امپریالیسم آمریکا و ارتجاع داخلی دست برنداشت. او همواره یار و یاور مبارزات مردم ایران بر علیه نظام جمهوری اسلامی بود.

قبل از شروع مراسم، رفیقی از حزب کار ایران (توفان) با «رحیمه توخی»، همسر رفیق «توخی»، اظهار همدردی نمود و تسلیت و پیام همبستگی حزب را به او ابلاغ نمود. قبل از قرائت پیام «هواداران حزب کار ایران در آمریکا و کانادا» رفیق مجری مراسم از پورتال «افغانستان آزاد - آزاد افغانستان» مختصراً در مورد جنبش کمونیستی افغانسان سخن راند. او اظهار نمود که رفقا «احمد قاسمی» و «دکتر فروتن» تأثیر عمیقی بر جنبش کمونیستی افغانستان بر جای گذاشته‌اند و کمونیست‌های افغانستان از سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان تغذیه فکری شده‌اند. سخن او در مورد رابطه جنبش کمونیستی افغانستان و ایران پُر شور بود.

در قبل و فاصله بین دو بخش مراسم یا بود رفیق «توخی»، بین رفقای افغانستانی و رفیقی از حزب کار ایران بحث در مورد مسائل گوناگون صورت گرفت که همگی آموزنده و مثبت و سازنده بودند. رفقای افغانستانی با بیان «ما هرچه داریم از رفقا قاسمی و دکتر فروتن داریم» یاد این رفیق را گرامی داشتند و مبارزه‌شان را ارج نهادند. مراسم با به‌پاخاستن همه شرکت‌کنندگان و خواندن سرود انترناسیونال پایان یافت. •

تجاوزگران استعمارگر باید خاک عراق، افغانستان،
لیبی، سوریه و یمن را بی قید و شرط ترک کنند!



Habil's family (Courtesy)

یادداشت‌های اوین

محمد حبیبی / ۳۱ شهریور ۹۸

تَه دهنم، نجوایی است آرام از یک کلاس نیمه خالی

۱. چشمهام بسته‌اند. نشسته‌ام روی صندلی. چشم‌بندم را بالا زده‌ام و دستم را گذاشته‌ام روی پیشانی. صدای پایش به گوش می‌رسد. می‌پرسد: خوابیدی؟ جوابی نمی‌دهم. بر نمی‌گردم. نباید برگردم. برگه را می‌گذارم روی میز. چند دقیقه‌ای می‌گذرد و دوباره برگه را برمی‌گرداند. باز هم همان سوالات تکراری. می‌گویم: «شش دفعه قبل جواب همین سوال را داده‌ام» می‌گوید: «برای هفتمین بار بنویس» جوابم همان است. او هم می‌داند، بعید است که نه‌داند. می‌پرسم: «دنبال چی هستی؟» می‌گوید: «دنبال تَه ذهن توام».

از اتاق که بیرون می‌رود، باز چشمانم را می‌بندم. تَه دهنم را می‌کاوم. کلاسی است شلوغ. مهمه‌ای است از هزاران گفت‌وگو. خودکارم را برمی‌دارم و برای هفتمین بار همان جواب را می‌نویسم.

۲. چشمهام بسته‌اند. نشسته‌ام روی صندلی. سَرَم را خم کرده‌ام و با دست، روی پایم ریتم گرفته‌ام. منتظرم تا ماشین بیاید و همراه بقیه بروم. همان مینی بوس سفید رنگ همیشگی. سرم را که بلند می‌کنم چهره‌ی آشنایی را می‌بینم. تَه سالن ایستاده است. تکیه داده به دیوار. سرش پایین است و با دست‌هایش بازی می‌کند. خودش است، گیرم حالا کمی پیرتر شده باشد. حالا هر دو اینجاییم. من در زندان و او در سویتی با همه

امکانات به اسم زندان.

اسمم را می‌خوانند. از جایم بلند می‌شوم و از مقابلش می‌گذرم. هر دو لباس زرد رنگ ملاقات را پوشیده‌ایم. روزگاری او وزیر وزارتخانه‌ای بود، که من معلمش بودم. بودم؟! یعنی حالا نیستم!؟

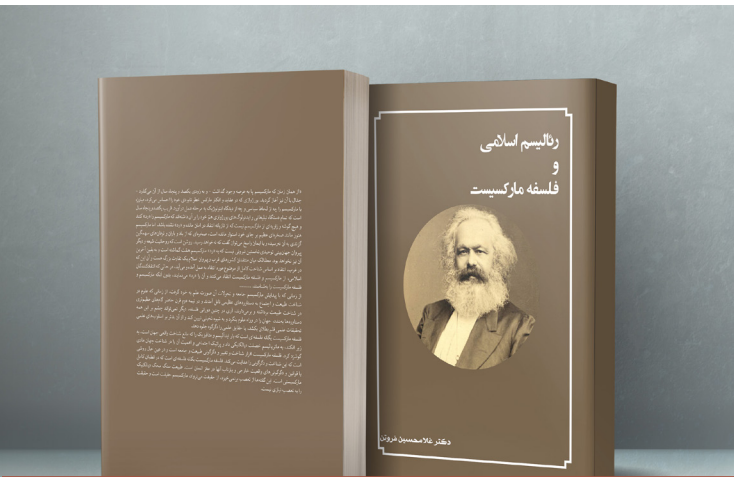
تَه دهنم را می‌کاوم. نجوایی آرام از یک کلاس نیمه خالی است.

۳. چشمهام بسته‌اند. نشسته‌ام روی صندلی. انتهای کتابخانه، کنار پنجره. نسیمی خنک تنم را مور مور می‌کند. چشم باز می‌کنم و کتاب را ورق می‌زنم. عمران صلاحی نوشته است:

«گفتم بیا با هم «پاییزبازی» کنیم». پرسید: «پاییزبازی» دیگر چه جور بازی‌ای است؟

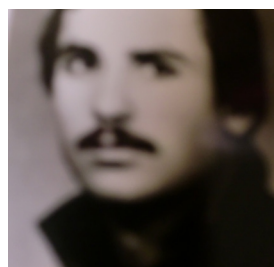
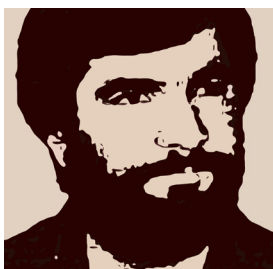
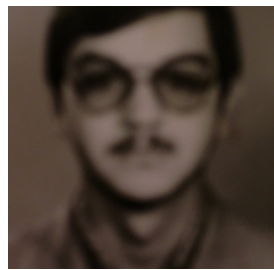
گفتم: تو می‌شوی درخت، من هم می‌شوم باد پاییزی. من می‌آیم برگ‌های تو را می‌ریزم زمین....»

دوباره چشمانم را می‌بندم و فکر می‌کنم. این دومین مِهری است که اینجایم. پنج پاییز دیگر هنوز مانده. حالا شب‌ها بلندتر می‌شود و ۲۲۹۶ روز باقی مانده، زودتر می‌گذرد. تَه دهنم را می‌کاوم. صدایی نیست. همچون کلاسی خالی است.



جهت تهیه این اثر با ارزش از رفیق دکتر فروتن با ما تماس حاصل فرمائید

حکومت‌های دینی هرگز حقوق انسانها را به رسمیت نمی‌شناسند



به یاد همه جوانان اعدامی در بجنورد!

ماجرای اعدام توفانی‌ها و سایر جریانات سیاسی در دهه ۶۰ از زبان «رازینی»

«علی رازینی»، از مقام‌های ارشد قضایی و یکی از قضاتی که مسئولیت پرونده محاکمه و اعدام اپوزیسیون نظام جنایت‌پیشه جمهوری اسلامی در دهه ۶۰ را برعهده داشته است، در گفت و گویی با رسانه «تسنیم» نکات جدید و ناگفته از این پرونده سیاه و خونین را مطرح ساخت. «علی رازینی» در سوابق قضایی خود ریاست کل دیوان عدالت اداری، ریاست دادگاه ویژه روحانیت به حکم خمینی و تنفیذ سید علی خامنه‌ای معاونت اجرایی دیوان عالی کشور، ریاست کل دادگستری استان تهران، ریاست سازمان قضایی نیروهای مسلح کشور، و عضویت در مجلس خبرگان (دوره چهارم) را داراست. این عنصر پلید و جنایت‌کار از اعدام بی‌رحمانه شماری از کادرهای حزب کار ایران (توفان) و جوانان توفانی متشکل در اتحادیه انقلابی دانش آموزان (شنبه سرخ) و سایر جریانات سیاسی سخن می‌گوید و بر خود می‌بالد که فرمان امام جنایت‌کارش را اجرا کرده و

از این طریق توانسته است گورستان سکوت و وحشت را بر فضای بجنورد حاکم گرداند. رفقای جوان و رزمنده‌ای چون رفیق «داریوش انصاری»، رفیق «مسعود نائیان»، رفیق «اصغر پهلوان»، رفیق «نادر رازی»، رفیق «محمد رضا بیک محمدی»، رفیق «بهرام رازی»، رفیق «یدالله پهلوان»، رفیق «اصغر پهلوان»، «رضا محمدپور»، و رفیق «باباپور سعادت» ... از جمله رفقای بودند که با فرمان «علی رازینی» تیرباران شدند. بجنورد یکی از پایگاه‌های قوی حزب در ایران بود. رفیق «شهید نصرالله جعفرنژاد» از اولین رفقای توفان شاخه بجنورد بود که به اتفاق سایر همزمانش در راه رهائی خلق‌های ایران از قید و بند امپریالیسم و رژیم دست‌نشاندهی پهلوی مبارزه می‌کردند. این رفیق در سال ۴۹ در زیر شکنجه‌های ساواک جان باخت.

همه این رفقا در آخرین لحظات زندگی پُرافتخارشان، زمانی که گلوله‌های مزدوران قلب پاکشان را ناجوانمردانه نشان رفته بودند، از آرمان مقدس خود، که همان آرمان والای پرولتاریا و زحمتکش‌شان بوده و از حزب‌شان دفاع نموده و فریاد «زنده باد کمونیسم»، «زنده باد خلق»، «مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع»، «زنده باد آزادی» را سر دادند و بدینسان پیکر پاکشان غرق به خون گشت. روزی فرا خواهد رسید که آدم‌خواران جنایت‌پیشه‌ای نظیر «علی رازینی»‌ها در دادگاه خلق محاکمه و مجازات خواهند شد. انتقام ما، انتقام طبقاتی، سرنگونی قهرآمیز بورژوازی حاکم و تمام دسته‌بندی‌های اراذل و اوباش

خانواده‌ها جدی گرفتند.

خانواده‌ها آن روزها زورشان به بچه‌ها نمی‌رسید و آنها را رها کرده بودند نه اینکه در زمان انقلاب نسل جوان پیش قدم بودند و بزرگ‌ترها محافظه کار بودند به همین خاطر جوان‌ها که حرف‌شان به کُرسی نشسته بود، پیرمردها سکوت کرده بودند و میدان برای فعالیت‌های سیاسی متنوع جوانان باز شده بود. در این شرایط والدین با فضایی مواجه شده بودند که می‌دیدند مثلاً یکی از فرزندان‌شان عضو چریک فدایی شده، یکی مجاهد خلق، یکی طوفان، یکی پیکار و ... و پدر و مادرها حریف نبودند ولی سه چهار نفر که اعدام شدند خانواده‌ها فهمیدند که اوضاع جدی است و نمی‌شود رها کرد بنابراین آمدند و با این وضعیت برخورد کردند».

منبع و ادامه‌ی مطلب:

<http://www.ion.ir/news/233592/>

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به دست مردم ایران



دست‌ها از ایران کوتاه باد
HANDS OFF IRAN

و استقرار سوسیالیسم و دیکتاتوری پرولتاریاست. یاد همه رفقای رزمنده حزب را که در بجنورد تیرباران شدند و همه جوانانی را که در راه آزادی و سوسیالیسم جان باختند، گرامی می‌داریم. در زیر گوشه‌ای از ماجرای تیرباران جوانان برومند بجنوردی را از زبان «علی رازینی» یکی از عناصر منفور رژیم جمهوری اسلامی از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد:

«بعد از شورش مسلحانه ۳۰ شهریور ۱۳۶۰، دستگاه قضایی وارد برخورد با پرونده منافقین شد. شما در آن زمان چه مسئولیتی داشتید و ورودتان به پرونده‌های گروهک‌ها از چه زمانی بود؟ «یادم می‌آید مدتی که در تهران بودم (زمانی که شهید لاجوردی دادستان بودند) ما هم جزو حکام شرع آن دوره بودیم. مرحوم آیت‌الله گیلانی رئیس شعبه انقلاب و آقای لاجوردی هم دادستان بودند. (سال ۶۰) آقای نیری، مبشری و رامندی زیر نظر آیت‌الله گیلانی شعب دادگاه انقلاب بودند و ما هم بعد از این که کار پرونده‌های مواد مخدر را تمام کردیم همراه این دوستان مشغول به کار بودیم و پرونده‌های اوین را رسیدگی می‌کردیم بعد از آن من رفتم بجنورد و در آنجا افراد مطلع از عناصر فرهنگی و فعال شهرستان به من گفتند که «حاج آقا اینجا وضع خیلی خرابه!» و آماری که به من دادند گفتند در بین جوانان بین ۸۰ الی ۹۰ درصد گروهکی هستند بین ۱۰ الی ۲۰ درصد حزب‌اللهی و بی‌خطر، اصلاً در بجنورد گروه‌هایی بود که در جاهایی دیگر نیست.

۸۰ درصد دبیرستانی‌ها و دانشجویان در بجنورد «گروهکی» بودند، بعد از ۳ ماه ورق را برگرداندیم.

غیر از منافقین یا پیکار یا توده یک سری گروه‌ها بودند طوفان، شنبه سرخ و ... علت هم این بود که دکتر تقی‌ارانی، که گروه ۵۳ نفر را در زمان رضاشاه تشکیل داده بود، از آن ۵۳ نفر ۴۳ نفرشان اهل بجنورد و از سران توده در ایران بودند. یک سری نیرو تربیت کرده بودند و پس از انقلاب که فضای سیاسی باز شده بود، شروع به فعالیت کردند و حتی قبل از منافقین اقدامات مسلحانه انجام می‌دادند. ۸۰ الی ۹۰ درصد بچه‌های دبیرستانی و دانشجو گروهکی بودند. ما شروع کردیم به محاکمه و رسیدگی به پرونده آنها. وقتی که آنها را محاکمه کردیم پس از دو سه ماه ورق برگشت چون ما پشتوانه‌مان همان سخنان امام، مرحوم بهشتی و مرحوم قدوسی بود و بدون تزلزل کار می‌کردیم.

وقتی که ما حکم اعدام ۵ نفر را صادر کردیم، قوه قضائیه به ما گفت که ۵ تا حکم اعدام برای این منطقه زیاد است! ما به آنها گفتیم بحث کالا نیست که زیاد باشد یا کم و بگوئیم چقدر می‌ارزد. پرونده‌هایی بوده که ما رسیدگی کردیم آنها را که جرم‌شان کم بوده حبس دادیم و آنها را که جرم‌شان در حد اعدام بوده، حکم اعدام داده‌ایم که حکمی شرعی است. وقتی حکم شرعی بر اساس اعمالش تعیین می‌شود دیگر نمی‌شود که در این حکم چانه‌زنی کرد. یک مقدار که کار رفت جلو

باشند متأسفانه با اوضاعی که امروز با آن روبرو هستیم فقط می توان گفت که کلاهمان پس معرکه است.

پاسخ: دوست عزیز، قبل از اینکه به کشتار و ویرانی و آواره‌گی میلیون‌ها مردم به‌پردازیم، باید روشن کنیم که ماهیت این جنگ نیابتی امپریالیسم آمریکا و متحدینش و بسیج داعش، القاعده، ترکیه، قطر و عربستان برای سرنگونی رژیم مستقل سوریه، که سرزمینش تحت اشغال و تعرض صهیونیست‌ها و داعشیان آدم‌خوار قرار گرفته است، چیست و چه هدف استراتژیک و یا ژئوپلیتیکی را در منطقه دنبال می‌کند. به باور حزب ما دخالت امپریالیست‌های غربی و در رأس آن آمریکا در امور داخلی سوریه در قالب جنگ نیابتی نقض آشکار حقوق ملل است، ضد بشری و تجاوز کارانه است، همانطور که سرنگونی رژیم صدام حسین نقض حقوق ملل و کاملاً ارتجاعی بود. سرنگونی رژیم‌های استبدادی، سرمایه‌داری و سرکوب‌گر عراق، لیبی، سوریه و یا افغانستان.... وظیفه خود خلق‌های آن ممالک است. کسی این امر مهم را نه‌فهمد، به آلت دست امپریالیسم و سیاست‌های نظم نوین‌اش بدل می‌شود. دفاع رژیم عراق و سوریه و لیبی ... در مقابل تجاوز خارجی حتا در چهارچوب گل و گشاد سازمان ملل متحد و عرف بین‌المللی نیز یک جنگ دفاعی و مشروع است و این ربطی به ماهیت سرکوب‌گرانه و استبدادی این کشورها ندارد.

بیان اینکه «هر طرف پیروز شود، آش همان آش به من چه، سرمایه‌داری، سرمایه‌داری است.»! در عمل پذیرش وضعیت کنونی لیبی و عراق و سوریه و تحریم و تهدید و تجاوز احتمالی به ایران است و جز این نیست. با چنین سیاستی نمی‌توان به بسیج افکار عمومی بر علیه چماق‌داران جنگ‌افروز ناتوچی‌های غرب که در منطقه و جهان به گرد و خاک کردن و تجاوز و یکه‌تازی مشغول‌اند، دست زد. سخن بر سر نقض حقوق ملل است، دفاع و احترام به حق تعیین سرنوشت خلق‌ها به دست خودشان است. اگر در عراق رهبری نیرومند کمونیستی وجود می‌داشت و قبل از تجاوز امپریالیسم به عراق کلک رژیم صدام را می‌کند، بسیار عالی می‌بود، با شما کاملاً موافقیم. اما مگر احترام به حق ملل در تعیین سرنوشت منوط به حضور نیرومند حزب کمونیستی و کمونیست‌هاست؟ اگر نه باشد، پس به ما چه! گور پدر ملل چون بورژوازی در رأس‌شان هست؟ برخی از چپ‌اندرقیچی‌های شبه ترسکیست کوشیدند در پارکابی «جرج بوش» و «اوباما» و با توسل به تئوری‌های «جنگ‌های غیرعادلانه امپریالیستی»، رژیم‌های سرمایه‌داری بومی را سرنگون و همچون بلشویک‌ها تزار را به زیر کشند؟! این جریانات همین نظر ارتجاعی را درمورد حمله احتمالی به ایران داشتند و هنوز هم دارند.

نباید از فضای ارباب و اتهام‌زنی امپریالیست‌ها و مزدبگیران‌شان، که نیروهای انقلابی و ضد تجاوز و تحریم را حامی رژیم‌های قذافی و صدام و بشار اسد و سید علی خامنه‌به‌ترسیم و از موضع اصولی و دفاع از حقوق ملل عدول کنیم. ما هزار بار گذشته عراق، سوریه و لیبی را به ویرانه امروز ترجیح می‌دهیم و خلاف این سیاست را ماجراجویی چپ‌روانه و به آلت دست امپریالیسم آمریکا تبدیل شدن می‌دانیم. آن «کمونیست‌های» عراقی که به سرنگونی صدام لیبیک گفتند، به کمونیست‌های خیانت ملی تبدیل شده و منفور همه‌گانند. این اتهام و فحاشی نیست، عین واقعیت است.



گشت و گذاری در فیسبوک پاسخ

به یک پرسش

پرسش: آیا حقوق ملت ایران همان حقوق جمهوری اسلامی است؟
پاسخ: خیر! حقوق ملت ایران، حقوق جمهوری اسلامی نیست، حقوق ملت ایران است. جمهوری اسلامی رفتنی است، ولی ملت ایران پاینده و بالنده است. آیا چون جمهوری اسلامی بر سر کار است، باید به زورگویی‌های امپریالیست‌ها تن دهیم! دیکته آنها را به‌پذیریم! تهدید و تجاوز و تحریم‌های ضد بشری را به‌پذیریم! در مقابل سیاست تکه پاره کردن ایران توسط امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها سکوت کنیم و هیچ حقوقی را برای ملت ایران به رسمیت نه‌شناسیم، چون رژیم جنایتکار اسلامی بر سر قدرت است! آیا می‌خواهیم در دام اپوزیسیون خودفروخته عراق به‌افتیم که به همدست آمریکا برای سرنگونی رژیم بعث و اشغال آن کشور بدل شد. مگر حق مسلم مردم برای تشکل و آزادی‌های سیاسی با سایر حقوق مسلمی که به عنوان یک ملت در عرصه علمی و بین‌المللی و حفظ تمامیت ارضی خود از آن برخوردار است، در تناقض نیست. باید از تمامی حقوق مسلم خود دفاع کنیم. دست‌آوردهای خلق ایران ربطی به جمهوری اسلامی ایران ندارد. جمهوری اسلامی ضد علم، آگاهی و معرفت و هوادار خرافات و نادانی و جهالت است. این رژیم رفتنی است، اما دست‌آوردهای ملت ایران مانده‌گارا است. فراموش نه‌کنیم اگر مبارزه ضد استبدادی را با مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم پیوند نه‌زنیم، به بیراهه رفته‌ایم، به آلت دست امپریالیسم و استبداد بدل خواهیم شد.

پرسش: دوستان توفان، چرا از شکست داعش در ادلیب و کلاً سوریه ابراز خوشحالی کرده‌اید، مگر رژیم بشار اسد رژیم مترقی است. هر طرف که پیروز بشه، این میون مردم سوریه بازنده‌اند.... کشوری خراب و مردمی آواره با بیش از دویست و چهل هزار کشته. تازه اگر کار با پیروزی اسد هم تمام بشه بازهم همان آش است همان کاسه و شاید بدتر.... یک حکومت دیکتاتوری فاشیستی یعنی.... تازمانی که مردم متحد و متشکل نشوند، قادر به دفاع از منافع خود نمی‌شوند.... البته تشکل مردم باید توسط آگاه‌ترین آنها رهبری بشود که به نظر من فقط کمونیست‌ها امروز قادر به اینکار می‌توانند

رفیق عثمان درگذشت

به یاد رفیق عثمان

خبر غم‌انگیز درگذشت رفیق عثمان خبر دردناکی برای همه ما محسوب می‌شد.

رفیق عثمان، عضو حزب کار ترکیه بود. وی یک فعال و رهبر بود که برای تحقق وظایف بزرگی از جمله سازماندهی طبقه کارگر و خلق‌های ترکیه اقدام می‌کرد.

از همان آغاز تأسیس کنفرانس احزاب و سازمان‌های مارکسیست - لنینیست ما می‌توانستیم روی مساعدت‌های برجسته بین‌المللی وی که به منزله نماینده حزب‌اش تلاش‌هایش را برای تقویت وحدت کمونیست‌ها در ابعاد بین‌المللی به کار می‌برد، حساب کنیم

عثمان رفیقی با روحیه همبستگی برادرانه بود. وی در اندیشه و عمل خود به وحدت کیفی یک انقلابی پرولتری سرسخت و وفادار تحقق می‌بخشید. وی وظایفش را با مسرت انجام می‌داد و این شور و شوق برای سازماندهی انقلاب را به دیگران نیز منتقل می‌کرد. ما احزاب و سازمان‌های برادر در کنفرانس بین‌المللی همدردی و همبستگی خویش را با رهبران و اعضاء حزب کار ترکیه اعلام می‌داریم. ما همین احساس را نسبت به خانواده، همسر و فرزندان وی داریم.

ما از نمونه رفیق عثمان سرمشق گرفته‌ایم و از خودگذشتگی وی تا توانایی‌ها و نیروی عملی و شور و شوق‌اش را در نبرد برای انقلاب بین‌المللی بگذاریم و به امر کمونیسم خدمت کند، قدردانی می‌نمائیم.

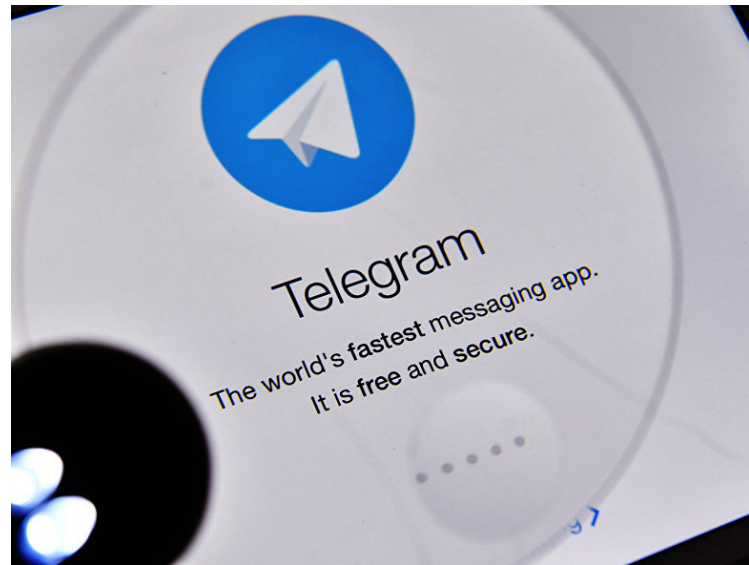
ژوئیه ۲۰۱۹

کمیته همبستگی کنفرانس بین‌المللی احزاب و سازمان‌های مارکسیست - لنینیست.



دموکراتیک مردمی گام بردارند. متأسفانه اکثر سازمان‌ها و احزاب ایرانی توجه لازم به مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم را ندارند و تمام هم‌شان سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است و حتی برخی از این گروه‌ها به تأیید تحریم و تجاوز پرداخته‌اند، تا در پارکابی ارتش آمریکا رژیم را سرنگون سازند و به خیال خود «سوسیالیسم یا حکومت شورایی» خود را تشکیل دهند! از اینرو همکاری با چنین گروه‌ها و سازمان‌هایی غیر ممکن است و فقط با مبارزه و افشای این جریان‌هاست که می‌توانیم شرایط را برای همکاری و یا جبهه دموکراتیک و ضدامپریالیستی فراهم سازیم. ولی چاره‌درد نهائی کارگران و زحمتکشان ایران این نیست که با استقرار یک حکومت دموکراتیک بورژوازی بتوان به مسئله اختلافات طبقاتی و بهره‌کشی فرد از فرد، که از مناسبات سرمایه‌داری و مالکیت خصوصی بر ابزار تولید برمی‌خیزد، پاسخ داد. برای پاسخ به درد و رنج نهائی جامعه باید مناسبات سوسیالیستی را جایگزین مناسبات سرمایه‌داری کرد به عبارت دیگر «دموکراسی سوسیالیستی» را به جای «دموکراسی بورژوازی» نشانند و این چیزی جز استقرار «دیکتاتوری پرولتاریا»، دموکراسی برای اکثریت جامعه معنا نمی‌دهد. برای تحقق چنین امری به حزب طبقه کارگر مسلح به ایدئولوژی مارکسیستی - لنینیستی لازم است. چنین حزبی نمی‌تواند همانند یک جبهه پلورالیستی که متشکل از دستجات مختلف با منافع گوناگون است، عمل کند. در این حزب جایی برای فراکسیون نیست، زیر حزب طبقه کارگر با اراده واحد عمل می‌کنند. استقلال طبقاتی حزب و پرچم لنینیسم هویت چنین حزبی است. تنها با چنین حزبی است که می‌توان با انقلاب سوسیالیستی به سوی استقرار جامعه سوسیالیستی، فاز نخست جامعه کمونیستی، رهنمون شد. حزب ما در عین حال که برای خواسته‌های دموکراتیک می‌رزد و به اتحاد عمل با نیروهای مستقل و دموکرات و میهن‌دوست و ضدامپریالیست می‌پردازد، اما کمونیست‌ها را به دعوت برای وحدت در سنگر واحد حزب لنینی، که علیه رویزیونیسم کهن و مدرن موضع روشن دارند، به انقلاب کبیر اکتبر شوروی و سی سال ساختمان سوسیالیسم به رهبری رفیق استالین و دست‌آوردهای تاریخی‌اش باوردارند، فراخوانده است و تأکید کرده که راه خروج از سردرگمی کنونی تکیه به «لنینیسم» است و فقط با برافراشتن این پرچم است که می‌توان تمامی مدعیان سوسیالیسم را مورد محک قرار داد، سره از ناسره را از هم تمیز داد و با مبارزهای شفاف و بی‌تزلزل و منطقی به عنوان پیشقراول طبقه کارگر به وظیفه تاریخی خود پاسخ گوید. ما در این راه سهمگین و پر سنگ و لاج و پیچیده طبقاتی که دشمنان رنگارنگ کمونیسم و با پشتوانه مالی و معنوی جهان سرمایه‌داری و امپریالیستی کمین کرده‌اند و با پاشاندن تخم یأس و ناامیدی جولان می‌دهند، دست همه رفقای کمونیست و دلسوز را که به لنینیسم وفادارند، می‌فشاریم و خواهان همکاری صمیمانه با آنها هستیم.

موفق باشید.



پرسش و پاسخ در شبکه تلگرام

پرسش: «آیا فقط شعار سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی کافیه و بعد از سرنگونی همه مشکلات حل خواهد شد؟ شما چه پاسخی بدین سؤال دارید؟ ملت چه باید بکند؟ همکاری و اتحاد نیروهای انقلابی و چپ را چگونه می‌بینید؟ آیا امیدی به اتحاد است؟»

پاسخ: دوست گرامی! ما هم با شما موافقیم که سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی خود به خود منجر به استقرار آزادی و عدالت اجتماعی نخواهد شد. ماهیت رهبری سیاسی یک انقلاب و هر تحول اجتماعی تعیین کننده است. انقلاب عظیم و مردمی بهمن ۱۳۵۷ به دلیل ماهیت ارتجاعی و عقب‌مانده نیروی رهبری کننده سیاسی‌اش در نیمه راه متوقف گردید و شکست خورد. امروز جمهوری اسلامی سد راه تکامل جامعه ایران است و خواسته‌های دموکراتیک مردم از انقلاب مشروطه و بهمن هنوز متحقق نگردیده‌اند. این مطالبات فقط شامل جدائی دین از دولت و یا مسئله حجاب و حقوق مدنی نیست. انقلاب آتی مردم ایران علاوه بر پاسخ‌گویی به آزادی بیان و احزاب و اجتماعات و برابری زن و مرد باید در جهت استقرار عدالت اجتماعی خیز بردارد. این مبارزه حتماً باید جهت‌گیری ضدسرمایه‌داری داشته باشد تا بتواند به نان، مسکن و کار، که مهم‌ترین مطالبات معیشتی مردم هستند، پاسخ گوید. از طرفی هر انقلاب دموکراتیک و مردمی و عدالت‌خواهانه باید جهت‌گیری ضدامپریالیستی، ضدصهیونیستی و ضداستعماری نیز داشته باشد و با اتکا به نیروی خود برای نظامی آزاد و دموکراتیک و شکوفان گام بردارد. به باور ما تمام نیروهایی که موافق سرنگونی رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به دست مردم ایران هستند و از طرفی در مقابل امپریالیسم و نیروهای استعماری موضع روشن دارند، می‌توانند در عرصه‌های متنوع دموکراتیک با یکدیگر همکاری کنند و در جهت تحقق خواسته‌های مردم و در نهایت یک آلترناتیو



www.telegram.me/totoufan				*		کانال تلگرام حزب کار ایران (توفان)
facebook.com/toufan.hezbekar					*	فیسبوک حزب کار ایران (توفان)
twitter.com/toufanhezbkar			*			تویتر حزب کار ایران (توفان)
www.rahetoufan67.blogspot.de	*					وبلاگ توفان قاسمی
www.kanonezi.blogspot.de	*					وبلاگ ظفر سرخ
kargareagah.blogspot.de	*					وبلاگ کارگر آگاه
www.toufan.org		*				تارنمای حزب کار ایران توفان
www.toufan.de		*				تارنمای آزمایشی حزب
POSTBANK						
bank code 20110022						
bank account No.: 25773372600						
IBAN: DE70201100222573372600						
P.O. BOX 1138						
D64526 Mörfelden-Walldorf						
E-Mail: toufan@toufan.org						
Fax: 00496996580346						